

يك كلياتي را دولت پیشنهاد و مجلس تصویب می کند و بعد در جزئیات و طریق عمل و رویه های لازم آن اوابج مخصوصی پیشنهاد می شود بنده فرمایشات ایشان را ملتفت نمی شوم و اگر ملتفت می شدم موافق بودم گمان می کنم بنده درست ملتفت نشدم زیرا باین دارم تصدیق می فرمایند که دفاع کردن از يك نقطه نظری با توضیح دادن يك اصلی و مسامحت کردن باینکه نظر موافقی فرق دارد ممکن است در يك اصلی دولت با مجلس یا ناطقین که اظهار عقیده میکنند اختلاف نظری نداشته باشند ولی ناطقین در ضمن آنکه اظهار موافقت با نظریه دولت می کنند مثلاً يك شرط باینکه بفرمان لازم بدانند یا باینکه طرف خاصی از مسئله را بیشتر اهمیت دهند در آن موقع البته انتظار خواهند داشت که دولت هم در این مورد از نظریه ایشان موافقت کند آقای رئیس الوزرا در جلسه قبل هم بطور رفتار کردند و بنده تعجب کردم که رویه چرا در جلسه پریروز اتخاذ نشده اگر خاطر آقایان مسبق باشد در موقعیکه از طرف ناطقین بهتر مزاج به مستشاران و لزوم آن ها برای ادارات معارف میشد باقید اینکه همانطوری که در پروگرام ذکر شده باید از دولت غیر همیوار باشد بطوریکه این تصریح در پروگرام باز آقای رئیس الوزرا بیاناتی مبنی بر توافق با این نظریه فرمودند باز در موقعیکه نسبت به این مستشاران آقای مدرس مذاکره فرمودند و خیلی هم تأکید نمودند و تمام اهل مجلس با همفله فرمایشات ایشان را تصدیق کردند باین مضمون که ما با اصل استخدام مستشاران موافقیم ولی با اختیاراتی که سابقاً با آنها داده شده بود توافق نظر نداشته و البته باید در این باب از دیگری انتظار خود باز هم آقای رئیس الوزرا این مطالب را تصدیق و تأیید نمودند اگر چه درست باین نام ولی گویا اینطور بود و اگر همین ترتیب در پرونده اتخاذ میکردند بین آقای وزیر پست و تلگراف و آقای سردار معظم و ناطقین دیگر گمان می کنم اختلاف نظری حاصل نمیشد مثلاً در این ماده چهارم که بقول آقایان ماده المواد است آقای سردار معظم فرمودند این تقدیم و تأخیر که در مطالب این ماده نوشته شده آیا از روی تمسبات و اصلاحات مالی که در نظر ماست اول باید بشود بعد متخصصین جلب بشوند یا غیر این سؤالی است که ولو خیلی واضح بوده و محتاج بسؤال نباشد و بر فرض اینکه تمام آقایان نظریه دولت را بدانند و جلب متخصصین را مقدمه این اصلاحات بدانند و باز چون در پروگرام رسمی باین ترتیب قید شده ضروری نباشد داشت آقای وزیر پست و تلگراف یا بعضی از آقایان وزرای دیگر نظریه خود را در این موضوع شرح میدادند البته این مسئله دخول در جزئیات نیست یا در مرقع دیگر که آقای سردار معظم و آقای مدرس راجع به تکثیر عایدات و تقابل مخارج مذاکره میفرمودند در آن موقع هم بعضی نکات مهم راجع بمسائل اصلی اظهار میشد انرا جمع جزئیات هیچوقت آقایان از دولت تقاضا نمیکردند که حدود تکثیر عایدات را در پروگرام دولت بقدری که میخواهند اضافه کنند که تقسیم بندی او در مجلس بشود البته همه میدانند که اینها در لوابج مخصوص نوشته شده

پس از مطالبات لازم در کمیسیون، این مالیه مطرح شده بعد بمجلس می آید ولی وقتی که اظهار عقیده میکنند که با تکثیر عایدات بصورت اضافه کردن يك مالیات جدید مغالطه یعنی تا وقتی که بودجه مملکت درست معین نشده و وسائل تفریع مالیه معلوم نگردیده و اطمینان از اینکه عایدات دولت به محل خود صرف میشود حاصل نشده بوضع مالیات جدید عقیده ندارند و همچنین در موقعیکه اظهار موافقت با تعدیل مالیات که خود يك قسم از تکثیر عایدات است میشود البته دولت میتواند عقیده خود را بیان کرده و بگوید تا این مقدمات بعمل نیامده به تکثیر عایدات بطریق دیگر قائل نبوده و وضع مالیات جدید را از برای بعد از تعیین بودجه خواهند گذارد این توضیح هم بعقیده بنده ابعاد دخول در جزئیات مسئله نیست مثلاً باز همینطور نسبت به تهیه بودجه و رویه پیشنهاد کردن آن مذاکره شد البته بنده تصدیق می کنم که تهیه بودجه از وظایف دولت است که بهر نحو و بهر طریق صلاح میداند بودجه را تهیه کرده و تقدیم مجلس نماید و مجلس هم البته نظریات خود را در موقعیکه بودجه بمجلس می آید بیان نمینماید و بکوت قائل شوم آقای وزیر پست و تلگراف نسبت به يك رویه که از طرف آقای سردار معظم اظهار شد اظهار موافقت فرمودند آقای سردار معظم يك رویه را اظهار نمودند و گفتند این رویه برای این مملکت بهتر از رویه های دیگر است مخصوصاً خوب خاطر می آید که ایشان قید فرمودند برای این مملکت و با ترتیبات فعلی این مملکت و در اینصورت با نظریه آقای وزیر پست و تلگراف نمیشود موافقت کرد توضیحاً عرض میکنم آقایانی که بخوانند روزنامه های اروپا یا کتبیکه که در باب بودجه نوشته شده ملاحظه دارند بخوبی میدانند که برای تهیه و ترتیب بودجه از مسائل دیگر مالکيه تشکیلات نشان اداراتشان از هر قسم از مملکت ماموریت منظم تر است خرج و جمع را با هم معادله می نمایند اگر خرج بیش از جمع است يك مجلسی برای آن پیدا میکنند این مطالب از نقطه نظر اصولی هم شاید مورد تردید نباشد ولی اگر گفته شود ما بواسطه تجربیاتی که کردیم بواسطه ضعیف ناگوار فقر و پریشانی مملکت خصوصاً ضعیف سویی که تا بحال در مسائل مالیه این مملکت جریان داشته اگر امروز يك رویه دیگری ولو چندان اصولی نباشد اتخاذ کنیم برای ما عملی تر است لازم نیست باین درجه مورد تنقید واقع شویم ما معتقد نیستیم هر چه اروپائی ها کرده اند ما عیناً بکنیم اگر چه خود بنده قائل هستم در چیزهایی که ما مجرب نیستیم باید امروز از آنها اتخاذ کنیم ولی نباید تقلید را بدرجه اقصی افراف رساند که چون آنها اینکار را کرده اند حتماً باید ما هم تقلید کنیم بنده لزومی برای اینکار نمی بینم اگر درست برعکس بنده دقت بفرمایند خواهید دید که امروز این طریق بصرفه نزدیکتر است که اول به پیوند جمع مملکت چه چیز است یعنی آن اندازه از مبالغ مالیه که تقریباً قابل الوصول است پس آنکه بطور قطع نتوانیم باین کنیم به بینیم چه مقدار است حرفهای مهم را که

داریم همانطور که شاهزاده وزیر پست و تلگراف فرمودند باید اول جلو گذاشت مثل مصارف قشونی که از همه مخارج اهمیتش بیشتر بوده و بر همه چیز مقدم است بعد مخارج دیگر را ولو بآن درجه از اهمیت نباشد یعنی در درجه دوم و سوم واقع است معین نمایند و از آن مبلغ کسر کنند بعد باقی آن را برای کلیه مخارج دیگر به ترتیبی که صلاح میدانند تخصیص دهند این يك طرز ترتیب اداره کردن بوده است که شاید مغالطه اصول باشد ولی خیلی ساده و باصلاح مثل بودجه کان قصابی می باشد اگر يك کسی اینطور اظهار عقیده کرد و میگوید این ترتیب برای امروزه مملکت زود میسر شده و فایده تر است چه عیبی دارد نباید حتماً بگوئیم چون اروپائی ها آنطور کرده اند ما هم باید بکنیم همانطوری که عرض کردم البته تهیه بودجه و پیشنهاد کردن امور بواسطه دولت است دولت هر طور صلاح میداند پیشنهاد میکند و میفرستد آنها آرزوی ما این است که زودتر این بودجه حاضر کرده و بفرستد من خود در کمیسیون بودجه هستم و چندین روز است جلسه نداریم و منتها چیزی را که از دولت میخواهم این است که بهر ترتیبی که صلاح میداند زودتر بودجه را بفرستد اگر نظریاتی داشته باشیم در کمیسیون و مجلس اظهار کنیم و اگر بنده وقت آقایان را باین قضیه تشییع کردم برای این بود که تکذیب کردن يك رویه هتئ بمعبر اینکه با رویه های معموله مالک دیگر تطبیق نمیکند خوب نیست (گفته شد صحیح است) و باید دید صلاح مملکت امروز کدام است بیشتر از این نمی خواهم وقت آقایان را صرف عرض خود کنم و گمان میکنم هیچگونه اختلاف اساسی بین مجلس و هیئت دولت از این قسمت ماده چهارم نباشد بنده هر چه ملاحظه کردم غیر از این قبیل اختلافات جزئی که محتاج بتوضیحات است چیز دیگری ندیدم باین جهت انتظار نداشتم شاهزاده مشهاب الدوله جواب دادن را بکلی غلط دانسته و مباحثه در این قسمت ها را بد بدانند خیر يك توضیحاتی است در يك رویه و اسلوب و طریق متقن مالیه و اگر دولت این رویه را اتخاذ کرده و قضیه تمام شود بهتر از این است که وقت خود و مجلس و هیئت دولت را صرف این مذاکرات کنم

وزیر پست و تلگراف - بنده هم گمان می کنم همانطور که حضرت والا فرمودند اختلاف نظری در اساس مسئله نباشد ولی بکمی مسئله که جزو بر سبب و اصول اظهار میشد در روز گذشته اگر دولت میخواست آنها را بطور اصول قبول کند فرض میکرد در آنجا چهار منظور باشد به همین جهت بود که بنده در این باب اظهاراتی نکردم و آن همان همان مسئله بودجه است که حضرت والا شاهزاده نصرت الدوله فرمایند میکنند که باید برای مملکت بهتر باشد گمان میکنم بهمان دلایلی که اظهار کردند برای مملکت ما لازم تر است اصولی را که امروز در همه جا معمول است اتخاذ نمایم چون خودشان فرمودند در مالک دیگر قوای منظم ادارات و ترتیب منظم دارند به همین دلیل بنده عرض میکنم مخارج فوق العاده این مملکت را که در آنهاجا هیچکس خواب نمی بیند دارند آنها شاید بتوانند عایدات خودشان را قبل از وقت بسنجند آنوقت مخارج را قبل از وقت بتعین

بیش بینی بینمایند در صورتیکه در مالک ما نمایندگان از اولایات آمده اند بخوبی میدانند و تصدیق میفرمایند که بیش بینی يك مخارج ضروری مملکت قبل از وقت امکان ندارد در مملکتی که هر روز می بینیم حوادث و اتفاقات جدیدی واقع میشود و شاید احتیاج قوای جدیدی باشد و در مواقع مختلف يك عده مستشار لازم باشد که هر نفری سه هزارانی ده هزار تومن خرج دارد و علاوه يك چیزهایی که اصلاً نباشد بیش بینی کردن احتیاجات مملکت آنها را اینجا بکنند به همین دلایل باید ضروریات مملکت را از قبیل حفظ نظام و حیثیات مملکت در نظر داشت و البته آن مخارج بنظر عوام خواهد رسید که از دستاوع مملکت مسبوق باشند بنظر اشخاص بی اطلاع نخواهد رسید آنوقت شما که کولای ملت هستید ملاحظه خواهند کرد که در حقیقت را که دولت ذکر میکند مخارج ضروری است هیچکدام را نمی شود صرف نظر کرد زیرا از نقطه نظر سیاست مملکت است و با از نقطه نظر مقتضیات داخلی است و پس از آنکه تصدیق کردید اینها مخارج ضروری است آنوقت شاید عایدات هم کفایت کند اما در این کفایت کند و يك چیزی زیاد بیاید و در خزانه دولت بگذاریم ولی اگر شما میخواستید تکافونکره و با احتیاجات يك چیزهایی ایجاد کرد می بایستی از این معالمانی تکثیر حقیقتاً اینها را آقایان اشتباه نکنند می شوم بعضی اظهار میکنند که تکثیر عایدات تحمل مالیات است بر توده ملت بیچاره خیر اینطور نیست تکثیر عایدات راهی دولت در مقدمه پروگرام شرح کرده تکثیر عایدات ممکن است از راه وصول بقایا باشد و یا اگر مالیاتهای جدید وضع کنند ممکن است نسبت با شخاص صاحب ثروت باشد که بقرع توجه میکنند همه اینها در پروگرام مندرج است و دولت این ماده را نمیتواند قبول کند و بگوید ما اینقدر پول داریم و مقابل این پول باید مخارجی تعیین کنیم من متذکر این مسئله هستم هیچ دولتی هم اینطور نکرده و تصور میکنم آقای نصرت الدوله و سردار معظم هم چون خودشان داخل در امور دولت بوده اند کاملاً از وضیعت اطلاع دارند در هر حال اگر بنده در جلسه گذشته اظهاراتی کرده ام راجع باین اصول بوده یکی هم توضیح را مذاکره در جزئیات بوده بنده تصدیق میکنم که اگر توضیحاتی خواسته شود حق دولت است که بپایند و را که توضیح می خواهم قانع کند در مذاکرات گذشته سه فقره توضیح لازم بود که دو فقره آنها داده شده و یکی دیگر را بنده در نظر داشتم عرض کنم فراموش شد آن مسئله تقسیم تأخیر در مسائل ماده چهارم بود دولت نظری به تقسیم و تأخیر در امور مهم اهمیت این مسائل نداشته اینها چیست مسئله است که در حقیقت برای اصلاح مالیه مملکت لازم است و تصور میکنم بعضی از آنها هم مابعد الجمع است در همان موقعی که دولت مشغول مذاکرات است که مستخدمین خارجه را برای استخدام بیاورد در همان موقع هم مواد دیگر را بتوانند اجرا کنند و مابعد الجمع نیست بطوری که یکی از آنها معطل بماند تا دیگری تمام شود خیر اینطور نبوده و این توضیح را که عرض کردم برای این بود که بدانید دولت در جزئیات این ماده نظر تقدم و تأخری نداشته یکی هم مسئله تقابل و حذف مخارج و تکثیر عایدات بود که آقای مدرس در ضمن بیاناتشان راجع

بان مذاکره فرمودند در مقدمه پروگرام نوشته شده تقابل مخارج زائده یعنی آن چیزی را که تضایق کنند و تصدیق بشود مخارج زائده است دولت آنها را حذف میکند تکثیر عایدات هم همانطوری که آقای مدرس بیان فرمودند در صورتی که عایدات امروزه کفایت احتیاجات ضروری مملکت را نمیکند آنوقت تکثیر عایدات باقرض است یا بترتیب دیگر شاید عقیده اکثریت این باشد که استقراض پس است پس بهتر اینست که عایدات خودمان را از يك معالمانی که تحصیل برقرار و بیچارگان نشود زیاد کنیم این بود آنچه بنده از نظریات آقای مدرس فهمیدم یکی هم چنانچه عرض کردم راجع بتقدم و تأخیر بود و دیگر مسئله بودجه بود که اصولی است شاید يك اشخاص با نظر شاهزاده نصرت الدوله موافق باشند و اشخاص دیگری با نظر دولت تصور می کنم اگر بنا شود در این مجلس در این موضوع مباحثه شود مباحثات خیلی بطول انجامد و دولت با داشتن کارهای فوق العاده مدتی از وقت خود را در اینجا صرف کند در این مسئله اگر بخواهیم اصولاً حرف بزنیم ممکن است در خارج مذاکره نمود بعد از آنکه دلائل طرفین حاضر شد بمجلس بیاورند تا معلوم شود این اصل را قبول می کنند یا اصل و بگرار

رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه نطق) **آقا سید یعقوب** - اولاً میخواستم عرض کنم خوب است آقای شهاب الدوله تعجب نفرمایند که پروگرام از مجلس زودتر بگذرد زیرا امیدوارم همانطور که آقای مدرس توجه کردند این کابینه کابینه باشد که تا دو سال دوام میکند پس وقتی چنین امیدواری پیدا شد درجه در پروگرام صحبت کنیم عیب ندارد و اگر در روز هم عیب بیفتد ضروری نخواهد داشت و شاید آنوقت باین امیدواری کاملاً مشغول عملیات شویم

نایب - این مقدمه را که عرض می کنم بواسطه عقیده است که بمجلس شورای ملی دادم و همانطور که آقای مدرس فرمودند مجلس شورای ملی مشروطه است در واقع مشروطیت او بیان می کند که در ذات اسلام هیچوقت مانع از تمدن نبوده و همیشه با تربیت و تمدن همراه بوده است چنانکه همه ملت ایران می دانند که پیشقدم آزادی و مشروطیت علماء و روحانیون بودند و آنها مؤسس اینکار بودند پس هر چیزی که از مجلس شورای ملی می گذرد و مخالفت با شرع نداشته باشد حکم شرع است و لازم الاتباع مسئله دیگری که می خواهم عرض کنم این است که نمایندگان ملت و در اینجا برای تحصیل سعادت ملت نشسته اند برای اینکه ملت ایران را دارای يك سعادت و نیک بختی کنند نظر باینکه باید سعادت مملکت را اینجا بیش بینی میکنند این عقیده برای من حاصل شده است که لقد اجدولما افاده بقدریکه باید بیانات کافی بکنند کردند انک در مسئله مخارج اساساً ما همه عالیه يك خانه هستیم باید فکر مخارج خانه را بکنیم و به بینیم این مخارج زیادی که برای ما پیدا شده است از چه راه باید عایدی او پیدا شود هیچ نظر بدولت ندارم که دولت دارای يك دواثر زیادی است البته

زوائد را هر طور آقای وزیر مالیه مسامحت بدانند حذف خواهند کرد بنده می توانم عرض کنم حقیقتاً ماورین یا اگر خدای نخواسته باموریت خود عمل نکردند یا اینکه بکنند یا نه وظیفه خود عمل کنند برای اینست که ما آن روش خود را فراموش کرده و روش تازه پیدا کردیم ما باید فکر کنیم که ملت ایران مخارجش حکم شود تا مستخدمین هم بخاطرشان کم شود یعنی برای این کار باید در مجلس شورای ملی يك قانون وضع شود البته ملت ایران باین مخارج زیاد ناچار است دستش را دراز کند یا خدای نخواسته بپذیری یا يك اموراتی که نقص هالم بشریت است اقدام کند باید مسئله تعملات را که ما آمده ایم بر خودمان بسته ایم و باید در معیشت و زندگانی مسامحت نداشت ترک کرد ملت ایران ملت فرانسه و انگلیس نیست آنها مشغول هستند ملت ایران از هر جهت فقیر است فقیر علمی هست فقیر مالی هست فقیر روحانی هست از هر جهت که ملاحظه کنید فقر سرایتی را در گرفته است حالا می خواهم بشاهزاده سعادت مستقیم و راجع این احتیاجات را بکنیم باین ترتیب دولت فشار بیاورد که به مستخدمین کم بدهد یا زیاد بده فلان صاحب منصب که پنجاه تومان واجب دارد و تقصیر می شود با چیکه برقی حرکت کند معلوم است چیکه برقی که بیست و پنج تومان است پولش را از کجا بپایند بیاورد ما نمیتوانیم باین مخارج زندگانی کنیم برای ملت و عایدکنان بر این است که ما در طریق اقتصاد باید داخل شویم اگر دیوچه شود با حتمیاً کم کم کم بر همه کس معلوم می شود که اصل جعد از سرمایه ما رفته است در مقابل آن در مالک ما چه آمده است تقریباً بیست کرور اشیائی آمده است که ابتدا مسامحت در زندگانی ندارد پنجاه کرور قند آمده است بیست و پنج کرور فلان چیز آمده است این چیزهایی است که من شنیدم و نقل قول می کنم این اشیاء در اصول زندگانی هیچ دخل نیستند مجلس شورای ملی و هیئت دولت باید در این مقام باشند که مخارج را از روی اشیاء زائده تقابل کنند هر قانون که از مجلس می گذرد و دولت آنرا تعقیب کند بوضع اجرا گذاشته می شود باینکه در مالک دنیا قوانینی را که برای سعادت آن مملکت وضع می کنند بوضع اجرا می گذارند مجلس شورای ملی برای دوجیل است که عبارت است از تهذیب اخلاق و سیاست مدن و تدبیر منزل تعقیب اخلاق حکم روحانی است و تربیتی بمجلس تعالی اما سیاست مدن و تدبیر منزل راجع بمجلس شورای ملی است باید بمجلس شورای ملی در معیشت و ارزاق و از اینها که مردم فکرها کنند بنده يك قانونی بشمارم رسید که بمجلس شورای ملی پیشنهاد کنم خراستم آقایان را باین مطلب متوجه کنم که اول دولت خودش يك قدری مخارج را تقابل می کند یعنی هر وزیري لازم نیست چهار پنج اتوبیل داشته باشد مردم هم فقراً از آنها تبعیت می کنند و دیگر محتاج بپذیری نیست و فقراً خرج زائده این می رود این مسئله است که دولت را بآن توجه می دهم که اول قنار در تقابل مخارج راجع بخود و اجزاء خود برادر افاد رسد که آقای

شهاب الدوله در باب تکثیر عایدات فرمودند که مالیات بر سرمایه دارها تحصیل می شود تصدیق خواهند فرمود که سرمایه دارها در مملکت ما همان ملاکین هستند بعضی اینکه مالیات وضع شد باز بارش بردوش فقرا و رعیت تحصیل می شود خوب است از این مسئله صرف نظر کنند

رئیس — آقای حاج شیخ اسدالله (اجازه)

حاج شیخ اسدالله — بنده تصمیم داشتم در این پروگرام فقط راجع به ماده شش در خصوص قوه قضائیه چون اطلاعاتی داشتم عرض کنم و راجع ب سایر مواد این پروگرام عقیده ام این بود که آقایان نمایندگان که متخصص در هر یک از این مواد هستند نظر بآن خودشان را اظهار کنند ولی در این دو سه روز در تحت این ماده صحبت های خیلی مفصلی شد که یک قسمت همه آن هیچ مربوط باین ماده نبود اگر چه تمام فرمایشات آقایان صحیح و منطقی و فلسفی بود و بعضی از فقراتش هم لازم بود مثل اطلاعاتی که آقای فوم الملک فرمودند و اینکه نسبت باین پروگرام این اظهاراتی که شد بنده تصور می کنم لازم نبود چون صحبت توسعه پیدا کرد و زمینه آن وسیع شد بنده باینکه تخصص در این امر نیست بخودم حق دادم که نظریات خود را عرض کنم حالا مراجعہ کنیم باین ماده و تذکراتی که شده است یک اختلاف نظری بین آقای سردار معظم و حضرت والا شاهزاده شهاب الدوله وزیر است و تکرار می شود بنده تصور میکنم که آنقدرها اختلاف بزرگ نیست زیرا از مملکت یک مخارجی است حتمی و ضروری حتماً باید پیش بینی شود و برای این مخارج ضروری دولت به وسیله شده است باید تهیه عایدات کند اما مخارجی که ضروری نیست مثل توسعه ادارات این مملکت اینها مخارج لازم نیست و دولت باید آنها را حذف کند گمان می کنم فرمایشات آقای سردار معظم هم همین بوده است و بنده هم با ایشان موافق هستم فرمایشات آقای وزیر است و تکرار راجع باین بود که دولت باید عایدات برای مخارج حتمیه خود به هر طریق که هست تهیه کند اما راجع بیک قسمت دیگر که راجع می شود به تقلیل مخارج و حذف ادارات بعقیده بنده مربوط باین ماده می شود وقتی که بود چه به مجلس آمد و رجوع به کمیسیون بود چه شد اگر مجلس تصویب کرد که حقوق باید کسر شود کسر می شود و اگر تصویب شد که ادارات زیادی باید حذف شود فلم برویش کشیده میشود این همه مذاکرات در این باب لازم نیست این است که بنده دارم می گویم در این ماده و نسبت به موافقتی که نوشته شده است به بنیم کدام یک محل گفتگو است حذف و تقلیل مخارج تصور نمیکند هیچ یک از آقایان نمایندگان مخالف باین فقره باشند که دولت باید مخارج را کسر کند زیرا چیزی که ما را مجبور کرده است دست خودمان را بیش خارجی هادراز کنیم همین مخارج فوق العاده است دنیا برخلاف نظر دولت و نمایندگان نیست و همه آقایان هم موافقت که مخارج زیادی باید کسر شود ولی طریقه عملش را در موقتی که بود به مجلس می آید آنوقت باید مذاکره کنند و آنرا حل نمایند اما تکثیر عایدات یعنی چه در مقدمه این پروگرام شرحی راجع به تکثیر عایدات نوشته شده است تکثیر عایدات هم ممکن است بچند طریق باشد

یکی اینکه منابع ثروت را بکار ببندازند و از آنها استفاده کنند مقصود دولت هم این قسم تکثیر عایدات است و هیچیک از آقایان نمایندگان هم باین نظریه گمان نمی کنند مخالف باشند زیرا این نظری است که هر کس باید آنرا تعقیب کند و این گنجها را که خداوند باین ملت عطا فرموده است از آنها استفاده کنند لکن اگر مقصود دولت از این فقره این باشد که وضع مالیات های جدیدی اضافه بر آن مالیات هایی که امروز بر این ملت تحمیل شده بشمارند این مسئله را آقایان نمایندگان با اتفاق یا با اکثریت مخالفند و تصور نمی کنند دولت هم در نظر گرفته باشد یک تعدیلات جدیدی بملک بشمارد زیرا در ضمن مذاکراتی که شد هیچ این نظریه مذاکره نشده است که راجع به تکثیر عایدات اما تعادل جمع و خرج آهم قابل مذاکره نیست زیرا منتهای آزادی نمایندگان با مساعدت دولت جمع و خرج مملکت تعدیل و موازنه پیدا کند که جمع و خرج معادل شود همین یک مقدمه اگر دولت بر دارد پس است برای اینکه خدمت باین مملکت کرده باشد تمام هم ما باید مصروف این فقره باشد که بودجه تعدیل شود و جمع و خرج موازنه پیدا کند و دولت هم در نظر گرفته است که انشاء الله این نظریه را انجام دهد بنده این نظریه را تقدیس میکنم و امیدوارم که مجلس با موافقت و مساعدت هیئت دولت موفق باصلاح این فقره شود و یکی مسئله وصول بقایا است کدام یک از آقایان مخالفند؟ همه موافقت یکدیگر اصلاح ادارات مالی است نه تنها اصلاح مالی لازم است بلکه تمام ادارات باید اصلاح شود اختصاص دادن سالیه را بنده نمیدانم دولت از روی چه نقطه نظر اتخاذ کرده اصلاح ادارات عدلیه منتهای درجه لازم است همچنین اصلاح سایر ادارات چه داخله چه خارجه مخصوصاً بعضی اصلاح وزارت خارجه را بیشتر اهدایت می دهند تصور میکنم در اینجا دولت بکفایتی جلو قلمش را گرفته باشد خوب بود نوشته باشد راجع باصلاح ادارات باخصوص مالیه حالا بستم بنظر آقایان و وزارت که کدام یک در ادارات خودشان فعال تر باشند به بنیم کدام یک زودتر موفق باین اصلاح خواهند شد اما جانب متخصصین از خارجه اگر مقصود دولت استفاده نمودن از علم آنها باشد خیلی خوب است اما اگر آنها بخواهند از مملکت ما استفاده بشمارند و معلومات خودشان را برای خود نگاه دارند خوب نیست نظرم هست که در دوره سابق کثرتی به مجلس آمد راجع به پستخانه و موسیو مولیتز در موقتی که کثرت او از مجلس گذشت مجلس بوزیر وقت پیشنهاد کرد که باید در ظرف دو سال دوسه نفر تربیت کنند که پس از انقضای این مدت دولت دیگر محتاج به مستشار نباشد متأسفانه تقریباً هفده سال است که مولیتز در اداره پست مملکت هاست کثرت او از ماهی دیوست و سبب تومانی به هفتصد تومانی رسیده و شاید سالی ده دوازده هزار تومانی برای دولت خرج دارد حالا میخواهد برود و بعد از هفده سال میگوید هیچکس در اداره پست نیست که بتواند آنرا اداره

کند اگر راست میگوید چرا اینطور شده است در صورتیکه شرط کرده است دوسه نفر تربیت کند اگر دروغ میگوید پس نسبت بما خیانت کرده است این است که بنده عرض میکنم این ترتیب خوب نیست صکما هفده سال بکثرت مستشار داشته باشیم بعد از هفده سال اینطور بگوید یا نمیتوانسته یا نتوانسته یک عده را تربیت کند پس اینطور مستشار در مملکت لازم نیست مستشار باید پس از دو سال یا سه سال عوض شود و اگر عوض شده بود دولت یا اداره پست میتواند استفاده هائی از مستشاران جدید بکند که از این بکثرت هفده سال است اینجا است و هیچ استفاده نکرده حالا من وارد در خصوص او نمیشوم چه خارج از نظریاتی است که بنده می خواهم عرض کنم بنده عرض میکنم این نوع مستشار بحد ما نیخورد باید مستشار هائی که ماورند با آنها شرط کنند که کاملاً باین برای عملی برای اینکه افراد ما را تربیت کنند مثل اینکه آقای فوم الملک فرمودند که یک عده از مستخدمین ادارات را باریو بفرستند که در ادارات آنجا کار کنند تعصبات علمی بکنند بنده هم تصدیق می کنم اما متخصص و معلمی که میخواهم بیاریم استش را نباید مستشار بگذاریم چون بنده با مستشار موافق نیستم معلم می خواهید بیارید دولت سبب ها کرد در وزیر دست او بگذارید تربیت بشوند و دستور تشکیلات ادارات را هم بآنها بیاموزد اگر هر آینه آوردید و بعد از هفده سال گفت در اداره پست کسی نیست که ببرد این اداره بخرد بنده میگویم خیانت بمملکت ما کرده این است مطالبی که در نظر داشتم و بهین اندازه قناعت میکنم و مرای خود را خاتمه میدهم و میگویم که اینقدر مذاکره در این ماده کافی است

رئیس — آقای حاج شیخ اسدالله پس از ختم نطق خودشان مذاکرات را کافی میدانند آقایان دیگر چطور اغلب گفتند کافی است

رئیس — آقایانی که اجازه خواسته اند آقای سردار معظم آقای مشیرالدوله آقای نصرت الله آقای کازرونی

نصرت الدوله — آقای سردار معظم نیستند حق ایشان را بآقای مشیرالدوله بدهید

رئیس — آقای کازرونی (اجازه)

آقای میرزا علی کازرونی — بنده نظریاتی که متخصص در مالیه نیستم نمیخواستم داخل در مذاکره شوم لیکن کثرت مذاکرات مرا هم بهوس انداخت و بملاوه ملاحظه کردم سکوت در مسئله هم که مخالف عقیده است برخلاف وجدان است از این جهت تصور کردم آنچه میدانم عرض کنم خوب باشد باید میدانم این نظریاتی که برای اصلاح مالیه اتخاذ و مذاکره میشود چون اساس گرفتن مالیات کج است گمان میکنم این نظریات هم بی نتیجه باشد و بالاخره نتیجه مطلوبه بدست نباید در مدت چهار پنج سالی که بنده از وطن آواره بودم تجربیاتی حاصل نمودم در بعضی مواکات دیدم از رعیت بیچاره و این جماعت فلک زده تقریباً پنجاه هزار تومانی پول گرفته می شود اما آن پول را که میگیرد و چه مقدار از آن عاید دولت میشود؟

باید فهمید خان بلوک پنجاه هزار تومانی سند میدهند اگر آنرا هم تأدیه کند خیلی مورد تعجب واقع میشود و چهل و پنجاه هزار تومانی آنرا معلوم نیست کی میخورد در مقابل این پنجاه هزار یا سی هزار یا بیست هزار تومانی ها که رنجبرهای بیچاره میدهند یک عده زیادی هستند از قبیل ملا آخوند سید درویش روضه خوان خان زاده که هیچ نمیدهند یک عده دیگر هم هستند که بواسطه اینکه تفنگ دارند پول نمیدهند و نتیجه این میشود که مردم عادت سرکشی میکنند و هر کس ده نفر تفنگچی دور خود جمع میکند و از مال دولت و مردم استفاده می کند ملوک الطوائفی ترویج میشود البته چه ضرر دارد دست از زراعت و کار میکشند و باین ترتیب دارای علاقه وده و غیره میشوند و بنای سرکشی میکنند طرف توجه هم واقع میشوند عقیده بنده این است که اولاً دولت باید اقتدار خودش را در تمام مملکت اتساع دهد و ثانیاً میزبانی عمومی در مالیات بشود که دولت ده دوازده قسم مالیات از دوازده صنف مردم گرفته نشود در عوض یک جماعتی باشند که هیچ مالیات ندهند بنده تا این اندازه که اطلاع دارم گمان میکنم اگر دولت بتواند همین قسم مالیاتی را که رنجبرها میدهند وصول کند عایدی دولت پنج برابر خواهد شد و در اینصورت محتاج بیک تعدیل جدیدی نیست بنده عقیده ام این است که دولت باید قدرت خود را در تمام مملکت آشکار نماید

رئیس — آقای نصرت الدوله (اجازه نطق)

نصرت الدوله — بنده از نوبت خودم صرف نظر کرده و بآقای مشیرالدوله واگذار میکنم

مشیر الدوله — یک قسم از مطالب بنده را آقای حاج شیخ اسدالله بیان فرمودند دیگر بنده تکرار نمی کنم و بطور اختصار عرض می کنم البته در اطراف این ماده که گفته شد ماده اول و اول است که لازم است ولی بعقیده بنده این مذاکرات دارد از اندازه خود خارج می شود خصوصاً که بنده هیچ اختلافی باین نظریات آقایان نمایندگان و هیئت دولت نمی بینم مثلاً در این ماده چند مطلب است اول تقلیل مخارج در باب تقلیل مخارج آقای سردار معظم فرمودند که اگر فرضاً بخواهند حقوق اجزای ادارات را نصف کنند مخالف خواهند بود البته اگر دولت چنین خیالی داشت پیشنهاد می کرد دولت که چنین پیشنهادی نکرده است و اینکه گفته می شود بعضی از ادارات زائد است و باید حذف کنیم دولت هم نگفته است ادارات زائد را حذف نمی کنم ولی باید اشخاص بیکار را بکارهای دیگر بکارمند ممکن است برای بعضی از آقایان اشتباه حاصل شود تصور کنند کار هائی که بنده عرض می کنم خیلی طول دارد و ذهن آقایان بیچاره آهنگ و غیره متوجه شود در حالتی که اینطور نیست الان ممکن است در مملکت یک ادارات زیادی باشد ولی یک ادارات دیگر هم لازم است که موجود نیست مثلاً در سایر بلاد لازم است بلیه ها تشکیل شود و همچنین اداره اوراق است که فقط در طهران تشکیل شده و در شهرهای دیگر تشکیل نشده است و یک اداره مهمی است و ممکن است اجزاء زیادی یک اداره را منتقل و باین قبیل ادارات نقل کنند پس اساساً ما بین نظر مجلس و هیئت محترم دولت هیچ مغالفتی نیست در

باب تکثیر عایدات گفته شد بنایستی مالیات های جدید تعدیل شود اول باید مجری را پاک کرد و سوراخها را گرفت بنده هر چه دقت کردم ندیدم هیئت دولت بگوید ما معتقد بیک کردن مجرا نیستیم آیا قبل از آنکه این مسئله انجام داده شود اگر یک مخارجی پیش بیاید که ضروری و فوری باشد آنوقت چه می فرمائید باید منتظر شد که نتیجه از پاک کردن مجری بدست بیاید تصور کنید یک نفر مالک ملک دارد و آب قناتش بواسطه بی مالانی کم شده است محصول هم باید آب بخورد آیا می شود بمالك گفت شما محصولتان را آب ندهید تا قنات آب بدهد غیر زیرا زراعت از دست می رود پس برای اینکه محصولش از بین نرود باید آب بخرد تا قنات را اصلاح کند در این موضوع هم که مغالفتی از طرف دولت ندیدم (گفت شد — صحیح است) بنده تصور می کنم در مجلس يك نماینده نباشد که در موقعی که یک مخارج ضروری برای دولت پیش میاید و دولت پیشنهاد کند بگوید چون مجری را پاک نکرده ایم ما این مخارج را تصویب نمیکنیم وقتی مخارج ضروری پیدا شد البته باید داد و در این خصوص هم عاید نظریه دولت و مجلس مغالفتی نیست فقط یک مابینتی فی مابین هست که لازم میدانم عقیده خود را عرض کنم در باب تعدیل بودجه گفته میشود در فرنگستان اول مخارج رامعین میکنند بعد عایدات را ولی ما باید اول عایدات را معین کنیم بعد معادل آن خرج کنیم بنده تصور میکنم در اینجا حق با دولت است زیرا مملکت یک تجارتخانه نیست که اول عایدات خودش را معین کند باید مخارج ضروری دولت بدو معین شود بعد معادل آن عایدات معین کنند معلوم است تعادل جمع و خرج از چند راه حاصل میشود یکی جلوگیری از تفریط است دیگری اصلاح مالیه است یکی از زیاد مالیات است و عینای حال عایدات با مخارج باید معادل کند ما برای اینکه عایدات نداریم نمی توانیم از مخارج ضروری مملکت صرف نظر کنیم اعدای مملکت باید بدانند که اگر میخواهند سری نوی سرها داخل کنند چنانچه داخل کرده اند باید مخارج خودشان را به ترتیبی هست بدهند اما در باب جلب متخصصین از دول غیر همجوار آقای مدرس فرمودند این ماده ماده المواد بر گرام است بنده میگویم این جزء از این ماده اصل الاصول این ماده است آقایان نمایندگان نباید تصور کنند که مایک تقصی برای خودمان قائل میشویم که میگویم این اصل الاصول است زیرا در تعلیم و تحصیل هیچ وقت ذلت و تحقیری نبوده است و این مسئله منحصر بما نیست چنانکه می بینم مالی که ملل متمدنه نامیده میشوند این راه را رفته اند و امروز هم همان راه را میروند و هر گاه یکی از ملل در یک شعبه از صنایع از سایر ملل پیش بیفتد سایر ملل شاگرد برای تحصیل و تعلیم بآنها بفرستند و از آنها اقتباس میکنند پس تقصی برای ما نیست و باید زودتر مستشاران و معلمین جلب شوند و دولت از آنها استفاده نماید و بنده تمام اصولی را که در این پروگرام نوشته شده قابل اجرا میدانم لکن شرط اولش این است که هر چه زودتر متخصصین و مستشار ها استخدام شوند

و باینکه در این کار را نکند حقیقتاً من امیدوار نیستم و خوشوقتانه اکثریت مجلس بطلب متخصصین معتقد است اما اینکه میگویند در ایرانها اشخاصی پیدا میشوند که محتاج به متخصص نخواهم بود بنده عرض میکنم جلب آنها دلالت نمیکند بر اینکه در ایران اشخاص درست نیست جلب آنها برای اداره کردن و پیشرفت کار است و پیشرفت کار آنها هم بچند ملاحظه است یکی بواسطه دوام و ثبات آنها است در ادارات یعنی وقتیکه ما آنها را جلب کردیم سه چهار سال یا بیشتر هستند و بواسطه نداشتن تزلزل کارهای آنها پیش می رود ما رؤسای خود را هر موقع عوض کرده و آجری را که یکی میگذارد دیگری که بسر کار می آید می کند و عوض میکنند و باین جهت کار پیشرفت نمیکند و چنانچه گفته شد دوام و ثبات یکی از شروط مهم و فواید است زیرا اگر هر روز نیم قدم برداریم در سال ۱۸۲ قدم برداشته ایم و در عرض چندین سال خیلی زیادتر می شود و بملاوه باید عرض کنم که آنها توصیه نمیخواهند توسط را قبول نمیکند از هیچ کسی هم ملاحظه نمیکند و بملاوه بصیرت زیادتری هم دارند و در اینکه اطلاع آنها از ما برآب زیادتر است حرفی نیست البته وقتی این چند چیز را با هم توأم کنیم می بینیم که جلب مستخدمین خارجه برای ما خیلی لازم است و باید هر چه زودتر از هیئت محترم دولت خواهش کنیم متخصصین را زودتر استخدام کنند و بنده در بیان مرای خود لازم میدانم عرض کنم که خیلی خوشنودتر و امیدوار تر بودم اگر آقای وزیر مالیه بجای پیشنهادهای راجع بکمیسیونهای نظارت و پیشنهاد دیگر خود لایحه راجع به جلب متخصصین را از دول غیر همجوار پیشنهاد می نمود بنده فوریت آنرا بیش از این می دانم چون هر چه از این کمیسیونها تشکیل بشود چنانکه تشکیل کردیم (از قبیل کمیسیون تطبیق حوالجات و غیره) آنچه را که ما می خواهیم نخواهند توانست انجام دهند فقط و فقط اصلاحاتی که ما می توانیم بکنیم بواسطه جلب متخصصین و مستشاران و معلمین خواهد بود بنده صریحاً عرض می کنم که ما مستخدمین خارجه را از هر قبیل لازم داریم و باید استخدام نماییم حالاً می خواهم معلم باشد یا مستشار باشد رئیس اجرا باشد یا امین مالی باشد ما همه اینها را لازم داریم فردا نفرمائید ما مستشار نخواستیم معلم خواسته بودیم یا اینکه رئیس اداره نخواسته بودم امین مالی خواسته بودم اگر میخواهم ترقی کنیم اگر میخواهم از ملل دیگر عقب نمایم باید بهمان طریق که آنها راه رفته اند ما هم برویم راست است این دوا تلخ است ولی دوا تلخی است که دیر یا زود باید نوشید ولی هر چه زودتر بخوریم زودتر به مقصود رسیده و هر چه بالعکس دیرتر بخوریم دیرتر به مقصود خواهیم رسید در باب اختیاراتش هم عرض می کنم در اینجا گفته می شود که جلب متخصصین خوب است اما باید اختیار نداشته باشد و فلان طور باشد بنده عرض می کنم اگر اختیار نداشته باشد هیچ کاری را نمی تواند انجام دهد پس باید بآنها اختیار داد و باید اختیار داشته باشد خود تانرا چرا کول میزاید اگر اختیار نداشته باشد چطور می تواند کار کند ما

تشریف میبرند هشت نفر برای عضویت کمیسیون معارف و هشت نفر برای کمیسیون نظام انتخاب نمایند جمعی از آقایان هم برای دو کمیسیون انتخاب شده اند و چون بموجب نظامنامه در دو کمیسیون بیشتر نمی شود کسی را انتخاب نمود لذا اسامی اشخاصی که در دو کمیسیون انتخاب شده اند : بخارج اعلان شده آن اسامی را ملاحظه کنند که آن اشخاص را برای این دو کمیسیون انتخاب نفرمایند

در این موقع جلسه تعطیل و پس از نیم ساعت مجدداً تشکیل گردید

رئیس - آقای امین الشریعه (اجازه)

امین الشریعه - عرض کردم توسعه علم و معرفت با اعتبار متعلق هر دو قسم است با توسعه در امور دینی و توسعه در امور دنیائی اما راجع بتوسعه امور دینی عرض کردم دو طریق باید در نظر گرفته شود يك طریق صرف مسكون

اولی آنست که در مدارس موجوده اطفال را بآداب اسلامیت تربیت کنند طریق دیگر این است که باید وقت اعضاء اداره معارف پیش از پیش تربیت نسوان و توسعه مدارس آنها صرف شود که با فلسفه و حقایق اسلام آشنا شوند و حدود و حقوقی که خداوند برای آنها تعیین کرده است بدانند و اگر حقایق اسلام را بفهمند و آشنا شوند از هر آرزویی که بظنر آنها می آید باز روی اشتباه می نزنند مستغنی خواهند شد تا توسعه علوم دینی مرحله اول دین است که اطفال مدارس از کوچک که داخل تحصیل می شوند با اخلاق دین هادفت و خو کنند اما این قسمت مکفی از برای حفظ اساس اسلام نیست جهتی که مکفی می شود و حافظ اساس اسلام است همانا توجه بمدارس قدیمه است چرا با رمان و فلسفه عرض می کنم نه از برای تعصب یک یک وقتی طلبه مدرسه بوده ام بلکه برای این که تفقهی که باید دارای علوم اجتهادی و مرجع تقلید شیعیه بوده باشد و احکام خداوند را استنباط کند و مردم را بفرماند و مرجع تقلید باشد از این مدارس قدیمه بیرون می آید چون تحصیل هم سطحی است و هم عقنی البته تصدیق می فرمائید این تعلیماتی که در مدارس جدید می شود برای این است که متعلمین برخلاف شرع و اخلاق مذهبی عادت نکنند و متعلق با اخلاق شریعت محمدی من بزرگ و کار آمد بشوند بنا بر این خیلی مفید و واجب است ولی آنچه که راجع با اساس دین است قسمت عمده اش توسعه بنام مدارس قدیمه است که در آن فقه کامل می شود آنجا است که اساس دین است حفظ شده و بهترین جامع الشرائط تربیت میکنند آنجا است که علوم دینی ما بهمین محفوظ می ماند خاصه در این زمان که می بینید فتنه بزرگ کدورتهاست داشتیم جنگی بر حمت ایزدی می بینیم که البته اگر ما من اسلامی داشته باشیم باید تحصیل را باین تعلیم و تعلم توجه کنیم و آنها را تشویق و تکمیل کنیم بظرف بنده يك قسمت از تشویق این است که بموقوفات مدارس که از سابق معین است از طرف وزارت معارف توسعه شود که بحسب تعیین ائاف عمل شود و طلبانی که در مدارس قدیمه تحصیل کنند بکار گردن و ادار کنند بجز آنکه در دست

می آید بهیمنی است که باید در اداره معارف ایجاد شود
برای وضع لغاتی که از خارج در ملک ما آمده و پیدا
شده است و ما لغتی برای استعمال آن نداریم مثلا همین
کلمه پروگرام ممکن است عوض پروگرام فهرست
عملیات دولت بگوئیم اما راجع به توسعه علوم که بکار
دنیای ما می خورد اول باید از اصول فلسفی داخل شد
ملت را ببینیم چند طبقه تشکیل می دهد جامعه ملت
را سه طبقه تشکیل می دهد زارع کارگر تاجران سه
طبقه توده و اقلی ملت را تشکیل می دهند و برای این
که این سه طبقه مرفه الحال باشند هیئت مدیره لازم
دارند برای تسهیل زندگانی ملت سه علم لازم است
علم تجارت و زراعت و صناعت است و جمیع فنون همان
صنعتی که ملل سایر را بمدارج ترقی
و انتهای تکامل رسانیده است همان علوم و صنایع که
گنجهای بی پایان را از زیر زمین برای اولاد آدم
بیرون آورده و بواسطه همان صنعت و علوم کشف اسرار
طبیعت را نمودند این سه علم دومدارس برای اینکه
محتاج الیه کل است باید ترویج شود بلی علوم سیاسی و
حقوق هم محتاج هستیم برای چه برای هیئت مدیره
ولیکن بهمان شماره و نسبتی که هیئت مدیره از سایر
طبقات ثلاثه کمتر است بهمان اندازه هم باید مدارس
سیاسی و حقوق از مدارس صنعتی و فلاحی و تجاری
کمتر باشد این نکته علمی است البته ما بهیئت مدیره
محتاج هستیم و اشخاص دیپلمات هم می خواهیم اما نه
این که از تمام مدارس معلم حقوق و سیاست بیرون
بیاید فقط تحصیلات سیاست و حقوق باید برای قوه
مقتنه و قضائیه و مجریه باشد مگر ما چه قدر اساس لازم
داریم برای قوه مقتنه و قضائیه چه قدر قاضی و دکترا لازم
داریم نسبت آنها را تمام جمعیّت باید دید چند یک
است آنوقت بهمان درجه برمدارس صنعتی و فلاحی
تجارتی باید افزود اگر مدارس ما فقط سانس تربیت
گند و صنایع و فلاح تربیت نکنند طوایف نخواهد کشید
که تمام اهل ملک ما سانس خواهند شد بنده توجه عمده
وزارت معارف را باین نکته اساسی جلب کرده و
تقدم می کنم فنون تجارتی و فلاحی و زراعتی را
مردم بیاموزند تا سبب ترقی ملک شود باזור مقام
رسمه علم باید این راهم عرض کنم که علم را منحصر
طهران نباید دانست طهران الحق و الانصاف در این
حله از سایر ولایات خیلی پیش است و ترقیات معارفشان
حق جای انکار نیست و از سایر جاها غزون تر است پس
باید توجه را بیشتر بولایات معطوف کرد که فاقد
معلومات هستند فائدا باید ایجاد کرد موجود را تکمیل
نیات و ولایات را هم که اساس عمده ایرانیت بسته
صال آنهاست بر گزاید مورد توجه قرارداد چرا
ولایات و ولایات از کلاس چهارم بیشتر نداریم چرا
ولایات مدارس از ابتدائی تجاوز نمی کنند و چرا باید
ها محروم باشند حتی در درجه دوم باید از آنها هم
دری منزلت تجاوز کرد و توجه خاصی به بلوک و دهات
د که بکلی هم از حیث حفظالصحه و هم از حیث تعلیمات
رومند چنانچه در بروز امراض مسریه در بلوکات
مناطق بواسطه نبودن طبیب و دوا اگر نسبت بدیم به
یتی که آنها داشتند شاید نصف تلف شده و از قوه
بهره و مولدات عدم و مرکب و رت و سوز از هر که دیده

اند و در همان سال انقلاوز را که دوسال قبل باشد بیلوکی که پنجاه هزار نفر جمعیت و خانواده داشت احصائیة کنونی آنها به ۱۲۰۰۰ نفر میرسد که بواسطه نبودن علم حفظالصحة فائده مستی و نعمت و لذائذ حیات شده اند و باید موازۀ مورد توجه قرار گیرد این بود هرا یض بنده که مرض کردم دیگر مرضی ندارم

وزیر معارف - چون بنده بانظریاتی که آقای امین الشریعہ فرمودند اساساً موافقم این است که بواسطه هرا یض بنده خیلی مختصر خواهم بود اینکه فرمودند علوم دینی باید در مدارس از روی فلسفہ تدریس بشود بنده تصدیق میکنم شاید مطلع باشند که خود بنده اولی مقدم در این باب بوده ام حتی امور دینی را چچ به حفظالصحة مخصصاً مخصوصاً هجده سال قبل که در اروپا بوده ام با فلسفہ هر چه نامتتری کتابچه نوشته و منتشر کردم و در مدارس هم بناید هم بطور با فلسفہ تدریس شود که بدانند منافع آنها چیست و فتنی فهمیدند فراموششان نخواهند شد تربیت نسوان البته همان طور که برادران علم فرض و علم است بر نسوان هم همینطور فربضه و لازم خواهد بود و باید این اصل را موقع اجرا گذاریم شاید انشاء الله بتوانیم تربیتی فراهم آوریم که اصلاً تعلیمات را اجباری و عمومی کنیم بطوریکه همه تحصیل کنند (گفته شد صحیح است) توجه به مدارس قدیم هم یکی از از روی آمل در این بنده بنده بوده است که به مدارس قدیمه که همانی بزرگ بها داده است توجه مخصوصی بشود و قدوم و منزلت خود را در این بشود در ادبیات از روی هم نظریات نمایانده معتمد را کاملاً تصدیق دارم و باید حتی الامکان در حفظ ادبیات فارسی کوشید حتی فی الحال بنده این است

که پیشنهادی بکنم که در دارالفنون ما یک قسمت از نون و علوم غالبه منحصر با ادبیات فارسی باشد در باب مدارس تجار تی و فلاحی و صنعتی هم کاملاً تصدیق دارم و موافق هستم اما راجع به توسعه معارف در ایالات و ولایات بنده هم موافقم حتی بنده عقیده دارم که سه دارالفنون باید دارالفنون طهران علاوه شود یکی در مشهد و دیگری در اصفهان و سومی در تبریز اینکه در ولایات هم موطنان جوان ما که استعدادات را دارند و بضاعت آمدن مرکز را ندارند استفاده حاصل کرده و از نعمت تحصیل متمم و برخوردار گردند و اگر فقط یک دارالفنون در مرکز داشته شیم انحصار علم را فقط بر مرکز و اشخاصی که مول باشند داده ایم باید یک دارالفنون هم انشاء الله مشهد و یکی در اصفهان برای جنوب و یکی هم تبریز تأسیس نمود و اگر بتوانیم زیاده تر ولی این باب حتمی الزوم است انشاء الله پیشنهادات خودم تقدیم خواهم کرد و امیدوارم که آقایان نمایندگان قریب هم با این پیشنهاد موافقت فرمایند در ایام امت خود در مشهد بنده یک اقداماتی برای تأسیس الفنون آنجا نمود و با عشق و علاقه مخصوصی آقای رئیس الوزرا را بنجام این کار داشتند و در مشهد صورت خارجی پیدا کند مع التأسف نبود انشاء الله در آتیہ درست نموده شد

راجع بیلوکت و دهات هم بنده موافقت کامل م هم راجع به مدارس آنها و هم راجع به حفظالصحة

آنها بنده در این مسافرتها و سیاستهایی که کرده ام شخصاً حرکت کرده و منزل بمنزل با دهانها چندین ساعت معاشر بودم و ضمناً معالجه میکردم و عدم حفظالصحة آنها را خوب مشاهده کرده‌ام البته برای امور حفظالصحة پیشنهاداتی تقدیم مجلس شورای ملی خواهم شد و امیدوارم مجلس شورای ملی هم تصویب می کند.

البته آقایان محترم میدانند در معارف و حفظالصحة خرج لازم دارد ولی این مخارج بعقیده بنده خرج نیست بلکه دخل است زیرا اگر حفظالصحة را خوب در مملکت رواج بدهیم يك قدم خیلی بزرگی در اصلاحات برداشته ایم زیرا اگر همان رنجبرهایی که فرمودند حفظالصحة نداشته مریض شوند مالیات از بین خواهند رفت.

پس آقایان نمایندگان محترم وقتی که پیشنهاد وزارت معارف و صحیه تقدیم میشود باید يك قدری جوانمردی فرموده و اساک را روا ندارند امیدوارم در سایه اقدامات هم حفظالصحة عمومی درست شده و هم معارف ترقی بکنند این است آرزوی بنده و دولت.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه).

آقا سید یعقوب - بنده خیلی متأسفم که وارد مشوم در مذاکره ماده پنج که جزء اولش توسعه و تکمیل معارف است در صورتی که مدارس طهران تعطیل کرده اند ولی امیدوارم انشاءالله این مطلب بزودی تصفیه شود.

اما در مسئله توسعه معارف بنده نظریاتی دارم که عرض میکنم و خیلی خوشحالم که آقای وزیر معارف در مقام جواب بر من آیند ولی در آن ماده که در جاسه قبل بنده عرض کردم شاهزاده شهابالدوله میل نداشتند جواب بدهند.

بور حال مدارس مسلم است به سه قسمت تقسیم میشود ابتدائی - متوسطه - عالی اما راجع به مدارس ابتدائی برای استحضار خاطر آقایان عرض میکنم بعد از فتح طهران در عهد مجلس کبیرین عالی تشکیل شد و وزراء وقت آمدند شاهزاده سلیمان میرزا هم تشریف داشتند يك وزیر علوم داشتیم هر چه می گفتیم در جواب میفرمودند ز مسكوك لازم دارد و بعد ایشان فرمودند اصلاح پروگرام که زر مسكوك لازم ندارد اگر چنانچه بكي از شما ها اولاد داشته باشید و در مدرسه باشد می دانید چند قسم دستور لازم دارد جایك دستور مخصوصی وقتی که مادر مكتب خانهای سابق بودیم و كتاب موشوگر به می خواندیم در سایر مكتب خانها نیز همان موش گر به را میخواندند و این طور بود که در هر مكتب خانه يك موش گر به ملیحه بخوانند خوب است آقای وزیر معارف وقت بفرمایند که پروگرام مدارس تمام بكي و واجد باشد مثلاً در این مدرسه دستور دانش است در فلان مدرسه دستور معنی و همینطور بنفوت و اگر چنانچه خدای انوایسته شاکردی از این مدرسه بخواهد مدرسه دیگری برود باید يك كتاب دیگری بخرد خوب است آقای وزیر معارف در این خصوص اقدامی بفرمایند و پروگرام مدارس را متحد نمایند و مخصوصاً جدیدی بفرمایند که اقلاً از آن دوره قدیم که حسن و حسین میخواندیم

لااقل عقب نرفته باشیم و در مسئله مدارس ابتدائی هم همانطور بكي آقای امین الشریعه فرمودند بنده موافق هستم و لازم نیست تمام ما ها سیاسی بشویم و در وزارت خارجه برویم آنوقت بقال و چقال هم سیاسی میشوند و در تمام دكانها بسته می شود خوب است يك حدی معین شود و برای مدارس ابتدائی مجانی و متوسطه و عالی يك حدودی معین نمایند یعنی قانونی وضع نمایند که تمام سائس نشوند که هیچكس فحش کارهای خوبی نباشد و نسبت به مدارس عالی هم نظریات بنده با این ترتیبات حالبه مخالف است چون مدرسه عالی را بنده منحصر بدر چیز میدانم و راهش را هم پیدا کرده‌ام که نگویید بوجه لازم دارد بجزدی که عرض کردم گفته شود زرمسكوك لازم است.

بعقیده بنده تحصیل معارف عبارت است از علم ربوبی و علم فقه و شریعت و حکمت الهی و یدران مادر این خصوص برای مایك محل مدین تعیین کرده‌اند و بنده از این کایه می خواهم (چون این رئیس الوزراء يك تصمیمی دارند و بیان فرمودند دوره سنی و عمل است) همانطور بكي آقای امین الشریعه فرمودند اوقات يك منابع ثروتی است که از این منابع می توانیم مدارس قدیمه خود را ترتیب داده علوم حکمت و فقه و معارف الهی در آنهاجا تدریس بشود چون این علوم همما قریب بلك از میان ما خواهد رفت برای اینکه هیچ زبیری نمی آید برای دارم فقه و حکمت الهی و غیره ترتیبی معین نمایند یا اگر ترتیبی معین کنند شورایی میگوید عمومیت ندارد بنده عرض می کنم این مدارس محل خاصی دارد و محتاج به تصویب مجلس شورای ملی نیست.

(جمعی گفتند از موضوع خارج است)

آقا سید یعقوب - حفظ نظام مجلس با رئیس مجلس است آقایان هر يك حرفی دارند اجازه خواهند بعد حرف خودشان را بگویند بنده عرض می کنم اداره کردن آن مدارس هیچ چاره غیر از اداره کردن اوقات ندارد و اداره کردن اوقات وظیفه وزیر معارف است اگر اوقات ما اداره بشود سه سالی مرور بایشان عایداتش می شود و باید برای مدارس قسم هم ترتیبی داده شود نظامنامه معین شود و همین مدارس قدیمه را مدارس عالی قرار بدهند و ترتیب تحصیل کردن در این مدارس را معین نمایند مختصر تمام توجه من برای احیاء کردن مدارس قدیمه مرکز و ایالات و ولایات است و از این کایه (که می خواهد تعالیات خودش را نشان بدهد) خواهم میکنم يك اقدام بنمایند که این آثار قدما یعنی آن آثار که ملیت و قومیت و بالاخره همه چیز ما متوسط حفظ آنها است از این فرود (گفته شد صحیح است) این است که باید در مسئله اداره کردن اوقات يك توجه خاصی بشود و بوجه و مخارجش مرتب بشود آنوقت امیدوارم که مملکت ما بدم دیات معرفی نشود.

وزیر معارف - اینکه فرمودند توسعه معارف با تعطیل مدارس شروع شده و از آن طرف تنقید کردند که برای معارف زرمسكوك خواسته اند البته صحیح نیست اما راجع به مدارس چنانچه عرض کردم علت تعطیل مدارس این است که چند ماه حقوق معلمین تمویق افتاده

و از وقتی که کابینه حالبه تشکیل شده با این کم یولی مبلغ ده هزار تومان درست در نظر من نیست به آنها داده شده و وعده داده شده بود که در ظرف هفت ماهه باز وجهی از بابات حقوقشان داده شود مع التأسف باز صبر نکردند که این دوروزه جمعه و شنبه بگذرد و تعطیل نمودند بنابراین امیدوارم در ظرف همین هفته حقوق معلمین مدارس برسد و امیدوارم که من بعد محتاج به تعطیل نشوند و عقبه بنده این است که من بعد بول مدارس و مریضخانه ها باید مرتباً برسد اما راجع باوقاف منتهی آرزو و آمال بنده است که انشاءالله بتوانم يك مساهمت هائی بدارم قدیمه بنایم و گمان میکنم که هیچك از آقایان در این باب مخالفتی نداشته باشند که مدارس قدیمه بمقامات عالی خود برسد و در خصوص پروگرام هم در این چندروزه هنوز فرصت نکرده‌ام انشاءالله اول کاری که انجام داده میشود تعیین پروگرام مرتب خواهد بود که مقاصد نماینده محترم هم انشاءالله حاصل شود.

مستشار السلطنة - بنده تصور میکنم در اصول آرزوهائی که در اطراف معارف مملکت در نظر نمایند گمان محترم است مذاکرات شد و تصور میکنم آقایان نمایندگان محترم حیات ملی و سیاسی کثرتی خودشان را در ظرف علوم قدیمه و حکمت و فلسفه میدانند و يك نکته دیگر را که میخواستم به آقای وزیر معارف تذکر بدهم این است که در پروگرام کثرتی وزارت معارف يك نکته قابل توجه است و آن است که در وقت دولت يك توجه خاصی در این نکته بفرمایند و آن اینست که پروگرام کثرتی و زلیات معارف در مدارس و مکتبائی که بدست مدیران ایرانی اداره میشود گمان میکنم واحد باشد ولی مدرسی که در تحت نظر خارجی و اجنبی اداره میشود پروگرام وزارت معارف کاملاً منظور نمیشود و بكي مخالف است و البته در این موضوع کمال مساعدت را دارند و وقت کاملی خواهند فرمود که با پروگرام مدارس ایرانی متحد باشد و همچنین پروگرام مدارس سایر ایالات و ولایات که باید موافق پروگرام وزارت معارف اداره بشود.

رئیس - آقای تدین (اجازه منطقی)

تدین - در ماده پنجم که راجع توسعه و تکمیل معارف شده است البته تمام آقایان میدانند که يك وزارتخانه هست معروف بوزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه ولی در این ماده هیچ اسمی برده نشده و علت اینكه مسكوك عنه مانده است بنده میدانم چیست علی ایحال بنده راجع باصلاح اوقاف کاملاً علاقه مند و معتمد وزارت معارف در آن حدودی که مجلس باو اختیار داده است اوقاف را اداره کند و اختصاص به اداره کردن مدارس قدیمه ندارد اگر چه بنده معتقد هستم که کاملاً باید مدارس قدیمه اداره شده و بر طبق وقف نامه رفتار شود نهایت این است که وزارت معارف باید يك نظارتی داشته باشد و يك نظم و ترتیبی در ظرف تحصیلشان برقرار نماید امروز مدارس قدیمه که در این شهر هست مدرسه سیه سالار جدید درجه اول است مدرسه خان درجه دوم است و مدرسه صدر درجه سوم است و وسیع ترین پروگرام های این مدارس آن پروگرامی است که برای مدرسه سیه سالار جدید تهیه شده علاوه بر طریقیات و الهیات و ریاضیات و فلسفه و ادبیات و آنچه که لازم بوده است از معقول و منقول در آن فیه شده و طبع هم شده ولی متأسفانه کاملاً بوقع اجراء گذارده نشده است بنده

معتقد هستم که میتوان مدرسه سیه سالار جدید را نظیر الازهر مصر کرد یعنی بكي از مدارس عالی مملکت فرزاد از ریالیات و استعدادش را دارد ولی متأسفانه باید عرض کنم که این اشخاصی که در این مدرسه و سایر مدارس هستند کاملاً بتكاليف معینه که در وقت نامه ذکر شده رفتار نمیکنند مثلاً بعضی از آنها در ادارات مستخدم هستند و در عین حال حقوق مدرسه را هم میگیرند البته وزارت معارف باید يك ترتیب صحیحی برای این کار قرار بدهد و از آن نظارت نامه که قانون باو داده است استفاده کرده و ترتیب صحیحی بدهد اما قسمت دوم از اوقاف آن قسمتی است که قانون تعیین کرده است و به عبارت آخری آن موقوفاتی است که عایداتش باید بمصرف خیریه برسد و از این راه ممکن است بر عایدات وزارت معارف افزوده شود ولی با کمال تأسف عرض میکنم که از سنه ۱۳۲۹ که قانون معارف از تصویب مجلس گذشته است تا حال آنقدری که باید در اداره کردن اوقافی که قانون بوزارت اوقاف حق داده است مصروف بشود بعمل نیامده است و اکنون يك معایب اخلاقی و اجتماعی در این مسئله موجود است مثلاً امین اوقاف بولایات می فرستند بدون حقوق بنده در سابق مکرر بوزاره وقت پیشنهاد کرده ام که امین اوقاف نباید بدون حقوق بولایات فرستاده شود البته مفاسد و معایب این امر برجسته آقایان واضح است مسئله (که بقول خودشان میگویند) اگر در اوقاف بواسطه يك مهر و يك مازکی که از اداره اوقاف باو رسیده است يك ملکی را رفت باوقفی و ملك کند چه طور خواهد شد؟ البته بعضی از آقایان هم رفتار و عملیات بعضی از نمایندگان اوقاف را در ولایات دیده اند و بهتر می دانند و محتاج بتوضیح بنده نیست همینطور درمزرکه نفوذ و قدرت هیئت دولت تا يك درجه زیاد است می توانم بگویم در این اواخر اجراء اداره مزرکی اوقاف طهران خودشان هم جزء موقوف علیهم شده اند اگر کسی سؤال نماید شما از وقتی که در اینجا مشغول اداره کردن امور هستید کدام يك از اوقاف را اداره کرده اید و عایدات این اوقاف را از بابات عشر و نیم عشر چه کار کرده اید و کدام يك از آنها را وصول کرده اید جواب ندارند بنده عقیده ام این است که این قسمت بسیار طرف توجه وزارت معارف قرار بگیرد و با کمال اطمینان می توانم عرض کنم اگر چنانچه باین قسمت از اوقاف که هیچ حمله خارجی هم ندارد اندك توجهی بشود وزارت معارف میتواند از عایدات این قبیل اوقاف چندین مدرسه دایر نماید و مخصوصاً ایتام و اطفال بی پدر و مادری که در سابق شهبای زمستان با سکا در کوچه و بازار هم آغوش می شدند تربیت و تعلیم نموده و از مفاسد اخلاقی آنها جلوگیری نماید اگر باین ترتیب رفتار شود گمان می کنم پیشرفت مقاصد واقعی كیک خواهد شد و مردم هم با کمال میل و اشتیاق این قضیه را تلقی خواهند کرد.

اما راجع باصلاحات اداری و اوقاف عقیده بنده این است که این ترتیب حالبه فرغ زاید بر اصل است یعنی این همه اجزائی که دارد زیاد بر آن است که در قانون و نظامنامه داخلی وزارت اوقاف معین شده

است بیش از این در مسئله اوقاف عرضی ندارم اما راجع به عارف قبل از اینکه در زمینه نظریات خودم وارد بشوم راجع بفرمایشات آقای امین الشریعه می خواهم چند کلمه عرض کنم اگر چه از طرف آقای وزیر معارف اشاره بفرمایشات ایشان شد ولی بنده هم یادداشت کردم و می خواهم به آقای امین الشریعه تذکر بدهم که مسائل و احکام شرعی را با فلسفه بشاگردان مدارس ابتدائی نباید آموخت عرض می کنم که این موضوع الان تا یکدرجه معمول است و احکام شرعی جزء پروگرام رسمی وزارت معارف هم برای دوره ابتدائی هم برای دوره متوسطه ذکر شده حتی در دوره ابتدائی در آخر سال ششم از مواد مهمه که طرف توجه هیئت متعنه است مواشرعین است و بعد از ناگزیرن خیلی طرف توجه واقع شده و البته بیش از این باید طرف توجه واقع شود.

اما راجع بفلسفه اگر مراجه بفرمایید بآن کتبی که در شرعیات نوشته شده و با مضای وزیر یا معاون معارف رسیده تا آن درجه که در خور فهم اطفال باشد فلسفه آنها فیه شده است و اما راجع بقسمت اخلاقی آهم جزء پروگرام وزارت معارف هست مخصوصاً مواردی که در شرع مقدس اسلام بیشتر بآنها اهمیت داده شود در آن پروگرام فیه شده حتی يك قسمت از معاصی کبیره هم در تحت عنوان دروس اخلاقی اسم برده شده که معلمین شرح و بسط و بمتعلمین تعلیم می دهند علی حال تا این اندازه معمول است و امیدوارم که بیش از این طرف توجه واقع شود و در پروگرام مدارس متوسطه و عالی هم بنقصمت از شرعیات فیه شده است مدرسه دارالفنون که يك مدرسه متوسطه است (چون دارالفنون در این مملکت هنوز معنای حقیقی را بخود نگرفته است يك مدرسه متوسطه ۶ ساله است) فقه هم تدریس میشود دیگر از مدارس که این قبیل علوم تدریس میشود مدرسه سیاسی است که در این مدرسه هم فقه و شرعیات جزو پروگرامش هست ولی بنده تصور می کنم این مقدار کم است و بیشتر از این باید طرف توجه واقع بشود این راجع به بیانات آقای امین الشریعه اما راجع بموضوعی که آقای آقا سید

یعقوب فرمودند که دستور الفیاء چند قسم است در واقع اختلاف كتاب راضی و نظر بوجودت ككتب داشتند این موضوع قابل بحث نیست برای اینکه وزارت معارف يك موادی در پروگرام معین می نماید و بمؤلفین دستور میدهد که مطابق آن مواد كذکر شده كتاب تألیف بنمایند يك كتاب بالخصوص را که نمیشود برای تعلیم تألیف کرد و به مدارس تخصیص دار باید كتبی تألیف کرد که مطابق با مواد آن پروگرام باشد و الا اینکه عایداتش مختلف باشد اتحاد پروگرام در تمام دنیا هست ولی اتحاد كتب در هیچ نقطه معمول نیست این مطلب را هم من باب تذکر عرض کردم.

اما راجع باصلاحاتی که در موضوع معارف در نظر دارم می خواهم هم وزارت معارف را تذکر بدهم و هم خاطر آقایان نمایندگان محترم را بآن جلب بفرمایم مدارس جدید به درجه تقسیم میشود ابتدائی - متوسطه - عالی - مدارس ابتدائی آن مدارس

است که تا آن اندازه تحصیل کردن هر فردی لازم است و کسر از آن نمیشود و دوره اش محدود است یعنی يك طفل حمال هم بآن اندازه باید تحصیل کند و غیر حمال هم باید تحصیل کند مدارس ابتدائی امروز در ایرانی بر دو قسم است

يك مدرسی است که معلمین اداره می کنند دیگری مدارس است که دولت متحمل اداره کردن آنهاست مدارس ابتدائی دولتی ناقص است و نقصان او از این حیث است که دوره تحصیلش کامل نیست و چهار ساله است بهر چه این مدت برای تحصیل دوره ابتدائی اما کافی نیست

همانطور که در اغلب ممالك معمول است باید لااقل شش سال باشد اگر چه در این مدارس ابتدائی دولتی که عبارت از مدارس مجانی است از پارساں باینطرف همین موضوع پیش بینی شده و به بعضی از آنها يك کلاس افزوده يك کلاس هم امسال افزوده اند و حالا يك مدرسه دارای پنج کلاس است و دیگر شش کلاس يكي چهار کلاس ولی بنده عقیده ام این است که باستانی توجه مخصوصی شده این مدارس را متعادل شکل نمود الان دولت سی مدرسه مجانی ابتدائی دارد که از حیث درجه به سه قسمت تقسیم می شود بعضی ها چهار و بعضی پنج و بعضی شش کلاس دارند و از برای پیشرفت تعلیمات این اختلاف مضرات اما راجع به مدارس متوسطه دوره متوسطه شش ساله را پروگرام وزارت معارف شش سال تعیین کرده است ولی باز با کمال تأسف عرض می کنم که در تمام نقاط ایران يك مدرسه متوسطه ۶ ساله داریم آنها را افزون است.

شاید آقایان محترم اسامی بگفته از مدارس متوسطه را بشنوند مثلاً مدرسه فلان در فلان جا . . . ولی این اسامی را در روی این مدارس گذاشته اند که در آینده مدارس متوسطه کاملی بشود ولی امروز فقط يك مدرسه متوسطه داریم آنها را دارالفنون است بقیه مدارس یا يك کلاس متوسطه دارد یا دو کلاس یا ۳ کلاس

وزارت معارف باید يك دقتی در این مدارس متوسطه بفرماید و آنچه بنده معتقدم ترتیبش این است که وزارت معارف راجع باجر کردن مدارس متوسطه و جلوگیری از این ضررها می تواند يك ترتیب خاصی اتخاذ کند ملاحظه بفرمایید در هفت مدرسه متوسطه متعلق بدولت که در هر مدرسه سه کلاس متوسطه شاید باشد وقتی دقت کنیم می بینیم کلاس اول متوسطه ۲۰ یا ۲۵ شاگرد دارد کلاس دوم متوسطه یعنی هشتاد و یا ۸۰ نفر کلاس سوم یا نهم پنج یا ده نفر این کلاسها دارای چندین هزار تومان مخارج است ولی عایداتش چقدر است؟ هفتاد هشتاد یا صد تومان و آنوقت مدیر مدرسه باید هم معلم باشد هم مدیر باشد همانطور که در يك

مدرسه ملی مدیر مدرسه بر حسب پیش آمد و احتیاجات ضروری يك کلاس اضافه می کند یا يك کلاس حذف میکند وزارت معارف هم باید همین نظر را داشته باشد ملاحظه کنید که آیا شاگرد سه کلاس را میشود در يك کلاس جای دهند یا نه و الا حالا با این ترتیب

مدرسه متوسطه صرف اسم است که در این مدرسه يك كلاس باشد در مدرسه دیگر دو كلاس ۰۰۰ از این جهت هم البته وزارت معارف باید يك اصلاحاتی را در نظر بگیرد اما مدارس عالی بآن معنائی که در خارج هست در ایران وجود خارجی ندارد آقای وزیر معارف بدارالفنون اشاره فرمودند دارالفنون یعنی آن مدرسه که شعبه عالیها را باید در آن تدریس کرد متأسفانه اکنون يك شعبه از دروس عالی باقی است و آن علم طب است اگر چه تا چند سال قبل خیلی خوب بود ولی متأسفانه این در کثرتی که امروز از شعبه طب بیرون می آید نسبت به کثرت هائی که سابقاً بیرون می آمدند معلوماً نشان کمتر است و دیگر از مدارس عالی مدرسه سیاسی است که تحصیل علم حقیقی هم در آنجا می شود دیگر هر چه گردش کنیم در هرگز و غیر مرکز شبهه هائی نمی بینیم مگر مدرسه حق که از طرف وزارت عدلیه تأسیس شده با توجه مالی ۱۰۰ یا ۲۰۰ هزار تومان را اگر متأسفانه نظر بکنیم این مدرسه بکلاس اگر شبیه است یا بیش مدرسه عالی نظریات بنده این است که این مدرسه حقوق يك چیز زائدی است و بنده معتقدم عوف این مدرسه حقوق که در خارج از دروس وزارت معارف است دو كلاس مدرسه سیاسی اضافه شود تا واقعاً این مدرسه هم رفع شود چرا برای اینست که مدرسه سیاسی دارای پنج سال تحصیل است سه سال قضائیه دو سال مؤخراتی ولی دو سال مؤخراتی در مدرسه سیاسی کافی نیست همان متعلمین که از اروپا استخدام می شوند برای تعلیم علم حقوق و چه عیب دارد برودن در مدرسه سیاسی تدریس نماید و حقوق خود را بگیرند اگر اینطور شود هم دو كلاس مدرسه سیاسی افزوده می شود و هم شاگردان در زیر دست این متعلمین تحصیلات منظم می نمایند و مسلماً آنوقت از بودجه کثیر حالیه ما کاسته شده و مدرسه سیاسی هم از مدارس عالی شده و شاگردانی که در آن جا تحصیل می کنند معلوماً نشان بیشتر خواهند شد بنده معتقدم باقیه مدرسه حقوق نیست بلکه معتقدم باقیه آن مدرسه سیاسی هست آنطوری که بنده اطلاع دارم از این كلاس اگر از یکساعت و یا بیست ساعت بشود میروند به جهت تحصیل شاید يك عده هم از شاگردان مدرسه سیاسی باشند در پنج بدارالفنون هم نظریات بنده این است که دارالفنون ما باید منهدم و مقیاس حقیقی خود را پیدا کنند و شعبه طبی کاملی هم در آنجا تأسیس شود شعبه سیاسی و مهندسی و ادبیات هم باو ملحق بشود آنوقت شاید يك دارالفنونی پیدا کنیم که دارای شعبات دروس کهنه باشد اما راجع به قسمتی که آقای وزیر معارف فرمودند که خیال دارند در دارالفنون درسه فقه مهم از مملکت حذف نمایند البته بنده کاملاً موافق با این مقصد هستم ولی ناچارم يك نکته را عرض کنم که آن این است که این عقیده ایشان امروز ممکن نیست اجراء شود چرا که برای اینکه شاگرد متوسط باید از ابتدائی بیرون بیاید و شاگرد دارالفنون پس باید از مدرسه متوسطه بیرون بیاید پس ما که در تمام

مملکت ایران يك مدرسه متوسطه داریم و آن هم شاگرد متوسط بیش از سالی ده یا نوزده نفر بداند بدهد ما چه طور در تبریز و مشهد و اصفهان میتوانیم دارالفنون تأسیس نماییم؟ پس اول کاری که باید کرد تهیه شاگرد ابتدائی باید نمود بعد از آنکه منظم شدواز این مدارس در سال دویاسه هزار نفر شاگرد فارغ التحصیل شدند آنوقت ده دو باید به مدارس متوسطه داخل به شوند چون بیشتر نمی شود و احتیاجات عمومی مانع است که تمام شاگردان فارغ التحصیل مدارس ابتدائی بتوانند وارد مدارس متوسطه بشوند بنابراین اگر مدارس متوسطه دایر شد و در هر سالی هزار نفر یا صد نفر یا دویست نفر شاگرد هر چه بیرون بیآید از بین آنها ده يك یا ده دو بیشتر موفق به تحصیل علوم عالی نخواهند شد بنابراین اول مدارس ابتدائی باید دایر شود بعد متوسطه بعد انشاء الله دارالفنون نمایند و جزو مرام می دانم

وزیر معارف - راجع حق نظارت وزارت معارف و اوقاف میتوانم عرض کنم که بعد ما شاید وزارت معارف چون همیشه اوقاف جزو وزارت معارف بوده باین جهت وقتی که در این ماده معارف نوشته شده البته اوقاف هم جزو است راجع به دوره ابتدائی و متوسطه که فرمودند بنده تصدیق میکنم که در مدارس ابتدائی چهار سال کم است و باید شش سال باشد و راجع بدارالفنون که فرمودند بنده عرض می کنم که در دارالفنون ما کامل است البته از برای هر ایرانی و به خصوصاً برای بنده يك مسرت و اغتخاری نیست اگر چنانچه میتوانست در پشت تریبون اظهار نماید که دارالفنون ما کامل است خود بنده هم معتقدم که دارالفنون ما اسم است و از شعبات فنی فقط يك شعبه طب را دارد که آنهم خیلی ناقص است البته همه همت کنیم تا تکمیل شود و اینکه بنده عرض کردم لازم است مدرسه دارالفنون یکی و در مشهد یکی در تبریز یکی در اصفهان در اصفهان دائر شود و آقای تدین فرمودند که حالا ممکن نیست البته بنده ترتیبات را آنقدر میدانم که اول باید مدارس ابتدائی را مرتب کرد بعد مدارس متوسطه و بعد مدارس عالی را عرض کردم باید در نظر ما باشد که در ضمن عملیات خودمان که مدارس ابتدائی و متوسطه را در ایالات و ولایات ترتیب میدهم يك وقتی هم در این سه نقطه مهم مملکت که تبریز و مشهد و اصفهان باشد دارالفنون هائی ترتیب بدهیم اما آن دارالفنون هائی که در نظر بنده است اینست که يك دارالفنونی باشد که وقتی شاگرد از یکی از این دارالفنون ها فارغ التحصیل شد محتاج نباشد که بخارج به سرود و نظرسر بنده این نبود که از همین امروز اقدام کنم عقبه ام را عرض کردم راجع به مشهد عرض کردم اقدام هم شد ولی متأسفانه موفق نشدم فقط موفق به تأسیس دارالفناشم در تبریز در آنجا هم مکانش موجود بود و هم پولش موجود بود اگر يك کمی مرا می میشد مسکن بود بنایش را هم تهیه نمایم و اول از شعبه ادبیات شروع کنیم و بعد کم کم راجع بسایر شعبات فنی از قبیل فلاحیه و صنعتی و مهندسی و غیره اقدام نمایم پس بنابراین باین ترتیب که راجع با اصلاحات معارف فرمودند موافقم و اول باید مدارس ابتدائی و متوسطه را حاضر نمایم و فقیه که

دیدیم چند مدرسه ابتدائی و متوسطه کامل داریم آن وقت شروع بدایر نمودن مدارس عالی نمایم و مدارس عالی هم نباید در خیالان باشد از نظرم ان معور نگرود

رئیس - آقای آقا سید یعقوب يك توضیح مختصری دارند

آقا سید یعقوب - این کلمه را که بنده عرض کردم محتاج به توضیح مجلس شورای ملی نیست مقصودم این بود که مدارس قدیمه موقوفه دارد و از همان محل موقوفه میبایستی مصرف آنها کنند

رئیس - در این ماده آقایان مذاکرات را کافی میدانند

مدرس - بنده اجازه خواسته بودم (بعضی بگرمیه میگفتند کافی است عده قلبی می گفتند کافی نیست)

رئیس - نیشوم آقایان مذاکرات را کافی میدانند (گفتند کافی است ولی عده برای رای گرفتن کافی نیست)

رئیس - چون بعضی مطالب دیگر هم هست اگر آقایان تصویب میکنند بماند برای جلسه دیگر و برای رای گرفتن هم آقایان باید ترتیبی بدهند چون چند نفر بیرون هستند و تشریف نمی آورند نیشوم مجلس را برای اینکه چند نفر از آقایان میخواهند در خارج مذاکره میکنند معطل کرد (بعضی گفتند صبیح است) آقای آقا سید فاضل سؤالی از آقای وزیر فواید عامه دارند

آقا سید فاضل - بنده خواستم از آقای وزیر فواید عامه سؤال کنم راجع به خرابی راه شوش لنج خصوصاً پل رودخانه شوش که سال گذشته راه را قطع کرده بود و بعضی خرابی های دیگر که اداره لنج در مقام تعمیر بر نمی آید و منظم به اجرای مواد کنترانش نیست و باج و خراج راه را هم موافق کنترانش علاوه می کرد و اگر آقای وزیر فواید عامه از این موضوع اطلاعی دارند بفرمایند

وزیر فواید عامه - در موضوع راه شوش فم همیشه دولت از روزی که تشکیل شده مشغول اقدامات است نتیجه آن بزودی عرض می کنم مجلس خواهد رسید

رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله هم همین سؤال را داشتند

حاج شیخ اسدالله - همین سؤال را داشتم با یکتدری اضافه

رئیس - راجع به خرابی پلها است

حاج شیخ اسدالله - از خرابی پلها زیاد تراست

رئیس - بفرمایند

حاج شیخ اسدالله - بنده پلها و خرابی آن که پارسل اتفاق افتاده است و از درموقع بارندگی اگر خدای نخواسته پلها را آب ببرد و طهران از جهت آذوقه دچار مضربه شود سؤالی بود که آقای آقا سید فاضل فرمودند ولی بنده يك سؤالی دارم راجع به اساس این راه و آن این است که مطابق خبری که شنیدم و تحقیق کردم مدت امتیاز اداره لنج نسبت باین راه مقتضی شده است و بلازمه شرایط کنترانشان

هیچ عد نکرده است و حقوقی را هم که باید در این مدت بدولت بپردازد تأذیه نکرده و با اینکه مدت کنترات اداره لنج مقتضی شده جهت اینکه این راه تا بحال در تصرف اداره لنج است و پلها را نیشازد و باج را هم می گیرد و دولت این راه را تصرف نمیکند چیست

وزیر فواید عامه - جواب همان بود که عرض شد دولت چه راجع به پلها چه راجع به مطالب دیگر مشغول اقدامات است

رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله سؤالی از آقای وزیر فواید عامه بوضع نان داشتند مطالعه شان کرده اند

حاج شیخ اسدالله - بلی سابقه داده ام

رئیس - بفرمایند

حاج شیخ اسدالله - راجع به مرتب باینکه اداره ارزاق چندی قبل اعلامی منتشر کرد که اداره ارزاق جنس بقدر کفاف تهران دارد بنده هم مطابق تحقیقاتی که کرده ام و اطلاعاتی که دارم متجاوز از سی هزار خروار جنس در انبار خرد شهر موجود است و بیست هزار خروار متجاوز هم در خارج و اطراف تهران موجود است و شاید يك جزئی هم که کم بوده است دولت پیش بینی کرد مشغول خریداری از عراق و جاهای دیگر است باین ترتیب عمل جنس مرتب شده است معذالك این چند روز عمل نان تهران خیلی سخت شده اندازه که يك نفر که میرود برای خرید يك با دو قرصه نان باید از تمام زندگانی خود دست بکشد و صبح که میرود ظهر باید برگردد و ظهر که میرود شام میاید برگردد و آنهم با دست خالی آنچه بنده شنیده ام بعزت کمی نان و کثرت جمعیت این است که اداره ارزاق خیالها جنس کم میدهد باینکه اعلان کردند که جنس بقدر کفایت موجود است جهت اینکه بخارج جنس کم میدهند چیست و در این موقع سال که باید نان ارجمه جهت فراوان باشد چرا امران را از برای فراهم سخت کرده اند

وزیر فواید عامه - در جلسه آینده جواب عرض خواهم کرد

رئیس - جلسه آینده روز يك شنبه بیست و دوم صفر و دستور آن شور در تعیین مواد پرگرام بیست معمر دولت و شور در لایحه کسب و نهی نظارت مخالفی نیست (اظهاری نشد)

(مجلس سه ساعت از شب گذشته ختم شد)

جلسه ۳۳

صورت مجلس یوم یکشنبه بیست و یکم صفر ۱۳۴۰ مطابق سی ام میزان ۱۳۰۰

مجلس بیست دقیقه قبل از غروب در جهت ریاست آقای مؤتمن الملک تشکیل گردید

(صورت مجلس یوم پنجشنبه بیست و هفتم میزان را آقای تدین قرائت نمودند)

رئیس - آقای مستشار السلطنه (اجازه)

مستشار السلطنه - در فقره اصلاح در بیان بنده هست یکی اینکه مرقوم فرموده اند تحصیلات مدارس

قدیمه را تکذیب کرده ام این بیان بنده نبود بلکه در موضوع بیانات آقای آقا سید یعقوب بوده بنده و همچنین آقایان نمایندگان هم تصدیق کردند که هیچوقت با تحصیل فلسفه و حکمت مخالفت نکرده و نخواهم کرد اصلاح ثانی اینکه بنده استدعا کردم پروگرام وزارت معارف را در مدارس که در تحت ریاست اجنبی ها دائر شده بفرمائید آن پرگرام را اطاعت کنند

رئیس - بر خلاف واقع که چیزی نوشته نشده است

مستشار السلطنه - آنرا که بنده عرض کرده بودم هیچ اشاره نشده

رئیس - بسیار خوب اضافه میشود آقای آقا سید فاضل (اجازه)

آقا سید فاضل - سؤال بنده از آقای وزیر فواید عامه تنها در خصوص پلها نبود بلکه در عدم مراقبت اداره لنج در کلیه راهها بود که ابتدا تعمیر نمی کنند و موافق مواد کنترات خود عمل نمی کنند یکی هم مسئله باج و خراج راه بود که علاوه بر آن اندازه که در کنترات معین شده از مردم میگیرند

رئیس - اضافه می شود

آقا سید یعقوب - در آن مسئله اولی که بنده راجع به تقبیل مغارج عرض کردم گفتن مطلقاً تقبیل مغارج عمومی و معانی نشود عرض ثانی بنده این بود که در پرگرام مدارس جدید معلوم دینانی را هم قرار دهم خوب است آنهم اضافه شود

رئیس - اگر بخواهید هر چه را می فرمائید در صورت مجلس نوشته شود صورت مختصر نخواهد بود صورت مشروح می شود دیگر اعتراضی نیست (اظهاری نشد)

رئیس - صورت مجلس تصویب شد دستور امروز بقیه مذاکرات در پرگرام هیئت دولت است آقای فیهیم الملک (اجازه نطق)

فیهیم الملک - ماده پنجم دو موضوع را جاری است یکی مسئله معارف است یکی مسئله حفظ الصحه بنده خواستم مسئله را که مکرر اینجا اشاره شده یادآور شوم که همیشه مملکت را بشهرها و شهر هارا هم فقط بعوزه تهران نباید انحصار داد يك قدری از سوز شهر ها باید خارج شد مخصوصاً در مسئله معارف و حفظ الصحه البته تمام ما آرزو داریم که در این مملکت در تمام ایالات مدارس عالی حقوق و نظامی تشکیل شود و مدارس ابتدائی و تحصیلات احباری هم در تمام قریه و قسب و بلوگات باشد اما میدانم این مسئله حکم آرزو را دارد و البته يك سرمایه بزرگی لازم است که دولت این قبیل مدارس را تهیه کند ولیکن تا باین آرزو برسیم نباید اهالی خارج از شهر را از نظر معر کرد تأسیس مدارس ابتدائی که فقط باندازه خواندن و نوشتن سواد پیدا کنند و مقدمات علوم دینی و شرعی را بیاموزند در دهات این اندازه ها اشکال ندارد و محتاج به جزو نمکت و صدقائی هم نیست دولت میتواند با کمال سهولت يك معلمی که بتواند در درس ابتدائی را تدریس کند در دهات بفرستد اول از دهات خالصه شروع کنند بعد دهات اربابی

که در تمام بلوگات مدارس ابتدائی عجله تأسیس شود تا بقدر لزوم در مرکز حالا مدارس متوسطه داریم منتفی باید آنها را تکمیل کنیم يك اشکال بزرگی که ما داریم راجع به مسئله انتخابات است که انتخابات مستقیم و مخفی است و رای دهنده ابد اسواد ندارد که لا اقل اسم کسی که می خواهد انتخاب کند بتواند بنویسد این کار مدت زیادی لازم ندارد اگر از ابتدای مشروطیت تا بحال در ترویج معارف بهمان اندازه که نوشته بودند اقدام شده بود امروز برای انتخابات در خارج مخصوصاً از طبقات رست خبلی اشخاص باسواد داشتیم از وزارت معارف استدعا می کنیم که باین مسئله خیلی توجه بفرمایند زیرا بقیه دارم متضمن مغارج فوق العاده نخواهد شد تأسیس مدرسه ابتدائی چندان مغارجی ندارد و ممکن است با مغارجی که برای یکباب مدرسه عالی از حیث اثاثیه و معلم و غیره بیش بینی می شود دمای بیست باب مدارس ابتدائی مقدماتی در بلوگات تشکیل داد که هر يك دارای پنجاه یا شصت شاگرد باشد و یکی دو سال هم دوره تحصیلات آنها طول می کشد تا بتوانند دروس مقدماتی را تحصیل کنند و این هم نباید متعسر بظهران باشد بلکه راجع به تمام شهرها و بلوگات در دهات است اما راجع به قسمت دوم این ماده که راجع به حفظ الصحه است البته ما آمینواریم که در شهرها هم مرا میخانه ها تأسیس شود ولی باز همان اهالی بلوگات و دهات را نباید بکنی از نظر معمر کرد مرض نوبه که حقیقتاً آدمی کم و معالی است و در طهران با يك مواظبت جزئی معالجه می شود و اطراف طهران در موقع پاییز اهالی را درموضع که می اندازد که مثل برگ خزان هر روز می افتند نه دوائی دارند تا چیزی شاید با يك قدری که گنه معالجه شوند ولی نیست چنانکه می بینید در شهر نوبه مرض مهلکی نیست ولی در خارج پس از چند روز مبتلا شدن فردی میمیرد خوب است وزارت معارف در این قسمت از سال یعنی پائیز توجهی بفرماید و چند نفر طبیب با خدای دواهایی که لازم است در اطراف بفرستد و این بیچاره ها را از خطر مرگ حفظ کند مخصوصاً حالا موقع بفرکاری است و بواسطه نداشتن رعیت نمی توانند بفرکاری کنند و رعیت بیچاره گرفتار تب و نوبه است و پس از چند روز فوت می کنند این هم مثل مطلبی است که اول در خصوص مدارس عرض کردم برای فرستادن طبیب بقرای چندان چهار اشکال نخواهد شد و چون ماده دیگری راجع به معارف در پرگرام نیست دو موضوع دیگر بنده عرض کنم یکی راجع به طبوبات است که مکرر گفته شده باید قانون طبوبات اصلاح شود و برای اینکه از مایه ارباب جراند و سایرین دفع اشکال بشود خوب است هیئت محترم دولت توجهی باین امر بفرماید و هر طوری که می تواند قانون طبوبات را اصلاح کرده بعمل بیآورند و يك زحمت زیادی را از میان مردم دفع کنند زیرا ارباب جراند بعنوان اینکه بد می نویسند با از مردم تنقید می کنند بیوسته مردم شکایت دارند و اگر قانونی در کار باشد البته هیچ کدام دچار اشکال نمی شوند مسئله دیگری که نظر آقای وزیر معارف را به آن متوجه می کنم کلاسهای طبی مدرسه است چون تا بحال يك معلمی از برای درس طب بایران جلب نشده که

يك مریضخانه هم در تحت ریاست او باشد و مریضخانه ها غالباً در تحت ریاست اطباء دیگر تأسیس شده این اطباء غالباً از مالک مختلفه بوده اند که خودشان را عضو مجزا و مستقل می دانستند و شاگردان طب که بایست تحصیلات خودشان را بواسطه عملیات در مریضخانه می تکمیل کنند هیچوقت موفق نمی شدند و رؤسای مریضخانه ها غالباً استنکاف داشتند شاگردانی را که در نقاط دیگر تحصیل کرده اند بمریضخانه راه دهند مدرسه و مریضخانه هر يك مؤسسه ایست که دولت برای منافع عامه تأسیس می کند خوب است آقای وزیر معارف این رویه را که نا حال معمول بوده از میان بردارد و معالین مخصوص وارد کنند که غیر از اساتذاتی که درس می دهند مطلب خود را در مریضخانه قرار داده و شاگردان را در آنجا بخواهند و درس عملی بدهند البته معلوم است در همه جا درس طب معمولاً در مریضخانه داده می شود نه در مدرسه ما در اینجا مریضخانه داریم ولی متأسفانه نمی توانیم از آنها استفاده کنیم باید اطباء که می آورند در کثرت های آنها قید کنند که فقط برای تدریس نیامده اند باید طبیب تهیه کنند تا برای باین کلینیک و مطلب خودشان را در مریضخانه قرار دهند و شاگردان خود را در آنجا درس دهند امیدواریم آقای وزیر معارف راجع بمدارس خارج یعنی فراه و دهات و راجع بحفظالصحه در لوکات توجه خاصی بفرمایند که شاید انشاء الله آنچه بحال معمول بوده از میان برداشته شود.

رئیس - آقای شیخ العراقین زاده (اجازه نطق)

شیخ العراقین - بنده هم نسبت باین ماده اظهاراتی داشتم بعد از این اظهارات آقای فقیه الملك دیگر متقاضی نیست بنده عرض بکنم اگر عرضی داشته باشم توسط پیشنهاد بکمیسیونهای مربوطه تقدیم خواهم نمود.

رئیس - آقای مدرس

(اجازه)

مدرس - همچو احساس می شود صكه طول مذاکرات در پروگرام حسن اثری نداشته باشد ولی محض استحضار هیئت محترم دولت وسایر آقایان عرض می کنم که تفتیشاً دوازده پروگرام در این مجلس آمده است که بنده بودم پروگرامی که سه روز گذشته و رأی داده شده دیدم تا زیاد تر بقیه من مذاکرات زیاد در زمینه آن مقصود است که ما داریم و انشاء الله امیدوارم در مدت این دو سال که هیئت دولت مشغول کار است و لوازمی که باید بعد مجلس پیشنهاد کنند این مذاکرات برای آنها زمینه باشد و برای این است که دولت نظریات و کلاً را راجع بهر ماده مختلف باشد بنده این مذاکرات را تابع می دانم در خصوص معارف آقایان مذاکرات وافق کردند یک مطلب باقی ماند که آقایان در آن مذاکره فرمودند و آن این است که به عقیده بنده معارف يك ركن اعظمی دائره دارالتربیه است ۴۰ سال است می شنوم از ایران می روند باوریا درس می خوانند و اسم خودشان را در کثرتی گذارند کثرت یعنی مجتهد یعنی این شخص رفته و این علوم را تحصیل

کرده و يك قوه استنباطیه در این علم پیدا کرده با این وصف خیلی متأسفم اشخاصی که رفته اند این علوم را تحصیل کرده اند چرا باین که آمده اند بزبان ایرانی ترجمه نکردند آقای امیر علم دکترند شك هم ندارد چون خیلی اطباء دیگر هم دیده ایم لیکن بقیه من ایشان ندیده اند و کثرتی مجتهد یعنی کسی که خودش تصنیف کند چرا کثرتی را که در آنجا خوانده تصنیف و منتشر نمی کند که دیگر اولاد ایرانی محتاج نباشد بزبان غیر درس بخواند اگر این کتب بزبان اهل مملکت باشد صد هزار نفر می خوانند و اگر بزبان دیگری باشد هزار نفر یعنی هر کس باید چهار سال تحصیل عمر خود را صرف تحصیل زبان خارج کند آنوقت شروع تحصیل این علوم بنماید لهذا اگر آقای وزیر معارف میل دارند آتذاب و تعلیم و علوم که احتیاج مملکت است و در این مملکت نیست و می خواهند این مملکت را بواسطه آنها رو بآباری و تمدن ببرند باید سعی کنند کثرتی که محصل احتیاج است جمع کنند اگر هم لازم شده متخصص هم بخواهند علمای آن علم را هم که در مملکت هستند حاضر کنند و آن کتب را ترجمه کنند می شنوم جمعی علم حقوق می خوانند من تا بحال نفهمیده ام علم حقوق یعنی چه تمام هم اساتذان دکتر است آخر این علم حقوق رمل است استرلاب است چه چیز است که نمی شود ترجمه کرد و در این مملکت منتشر نمود که هم بخوانم دیگری هم بخواند (مثل علی خان که رفت حساب را تحصیل کرد و آمد ترجمه کرد) عرض این است که علوم که محصل احتیاج است باید آنها را ترجمه کنند که این علوم منتشر شود یا واقفاً اگر در کثرت های مملکت ما نمی دانند متخصص بخواهند که کمک کند و ترجمه کنند بهر حال یا بایست اعتراف کنند که تقصیر کرده اند یا بفرمایند می دانیم مثل من اگر ندانند هیئت نیست والا اگر می دانند باید این کار را کرد و در وزارت معارف محلی بعنوان دارالتربیه تأسیس نمود که این علوم را ترجمه کرده و منتشر نمایند این است عقیده بنده

مشته دیگر متعلق بمدارس عتیقه است صكه آقایان خیلی مذاکرات کرده اند يك وقتی در نجف آب قطع شد بنده مسافرت کردم بروم اراضی بابل را تماشا کنم ده یازده روز رفتم عتیقه جات آنجا را استخراج می کردند فکر می کردم چرا مالک اسلامی رو بضمف رفته و مالک غیر اسلامی رو بترقی چندین روز فکر می کردم و بالاخره چنین فهمیدم که مالک اسلامی سیاست و دیانت را از هم جدا کرده اند ولی مالک دیگر سیاستشان عین دیانتشان با جزو آن است مگر هم هست اشتباه کرده باشند لهذا در مالک اسلامی اشخاصی که متدین هستند دوری می کنند از اشخاصی که داخل در سیاست هستند آنها که دوری کردند ناچار همه نوع اشخاص رشته امور سیاست را درست گرفته لهذا رو بضمف میروند با خود گفتیم باید فکری کرد آدم با دو نفر از اساتید بزرگ که فعلاً هر دو بر حمت ایزدی بیوسته اند این مسئله را مذاکره کردم و بالاخره با مشروطه منطبق شد که بواسطه آن این اختلاف از میان برداشته شود

و هر کس امین تر است بیشتر خدمت سیاست مملکت بکند من و امثال من بزرگتر از من که مشروطه را تصدیق کردیم برای این بود که يك اختلافی ازین برداشته شود این معنی ندارد که دولت و ملت سیاست و دیانت دوتا باشد بیغیرا کرم (ص) که مؤسس دیانت بود رئیس سیاست بود از آنوقت که اختلاف پیدا شد مالک اسلام رو به ضعف رفت بهر حال مقصود من مدارس علمیه بود در ایران يك وقتی می دیدیم این مدارس بقدری پیدا شده که قریب صد کروم موقوفات داشت و اگر عایداتش را درست جمع می کردند تعیناً سالی دو کروم عایدات داشت در این مدارس چه خوانده میشد و وقف نامه هایش را هر کس به بیند معلوم میشود فقه اصول که عبارت از الهیات و طبیعیات ریاضی و حساب که جزو ریاضیات است تدریس می شد خواهه نصیر که اقلیدس را در جیب الموت فزین نوشت در این مدارس درس خوانده بود فقه و نجوم و طبیعیات که ماده المواد ثمن دنیا است در این مدارس خوانده می شد بلی تصدیق می کنم صكه حکمای متأخرین و معالین فرق در طبیعیات کلیتاً از ما جاوهستند البته کوشیدند و تحصیل کردند متصل از سایر دول جلب نمودند و باین واسطه ترقی نمودند مقصود این است صكه تمام مدارس یکی است و هیچ فرق نمی کنند منتهی ما برای هر کدام يك اسم گذارده ایم یکی را می گوئیم مدرسه جدید يك را می گوئیم مدرسه عتیقه تمام مدارس یکی است و باید در آنها علم تحصیل کرد مگر در پروگرام ما نوشته شده است که در مدارس عتیقه کسی هیئت نخواهد طبیعیات نخواهد غیر چنین نیست تمام اطباء ما در این مدارس طبیب شده اند منتها مسئله درس میداده اند یازده شانزده سال است تمام در این مملکت می گویند معارف از هر بار سبزی بکاشی میگیرد برای معارف از جنس می گیرند از قدیمی گیرند و هنوز يك مدرسه (نمیکوم مثل مدرسه سیه سالار) مثل مدرسه صدر از طرف وزارت معارف ساخته نشده صد سال دیگر ساخته نمیشود در مملکت ایران قریب صد مدرسه با چندین کروم معارف ساخته شده و قریب صد کروم موقوفات دارد که سالی دو کروم عایدات آنها است آنها را بایرانداخته اند صكه آنها عتیقه است مگر ما دارای دو مسلکیم مگر میفرمایند به دو شکل مملکت را اداره کنیم همه اهل يك مملکت و مسلمان هستیم همه باید بمالک اسلامی عشق داشته باشیم که هم علوم دیانتی آن را ترقی دهیم و هم علوم که محل احتیاج امروز است این که آقای وزیر معارف عرض بکنم این علوم را بلسان ما در بیاورد برای این است که آنوقت طفل من که در مدرسه شرایع میخواند آن علوم را هم بخواند همان ریاضی و حساب را هم بخواند که من آن را آموخته ام این را پس عرض بنده این است که چون در تفسیر آقایان سوء بیانی شده که گناه این هارا جدا کرده ایم خیر اینطور نیست مگر ما میگوئیم کسی این طبیعیات و ریاضیات را نخواهد و اینها میان علوم است که سابق هم می خواندیم (منتها بنده ۱۵ سال

است آمده ام به تهران فلسفه را ترك کردم ولی حاله دو مرتبه به مباحثه آن شروع کرده ام) واقفاً بعضی گمان میکنند که در مدارس قدیمه علوم جدیده را نباید خواند غیر اینها همان طبیعیات و ریاضیات است که سابق هم ما می خواندیم و درس میدادیم ولی حالا طبیعیات اروپائی ها کاملتر است و برای آنها اسامی مختلفه گذارده اند

یکی را شیمی و یکی را فیزیک میگویند ولی در اصل همان طبیعیات است در سابق طب میخواندیم تشریح قانون را می خواندیم منتهی او علمی است تشریح امروزه حس است همینطور کتابهای دیگر می خواندیم پس باید معارف را بقسمی توسعه داد صكه تمام افراد مملکت استفاده نمایند و باید تمام افراد مملکت در تحصیل معارف يك رويه اتخاذ کنند تا انشاء الله نتیجه آن بزودی حاصل شود نه اینکه معارف را مجزی کنند که مثلاً یسرن که عامه دارد حساب نخواهد فقه بخواند غیر همه امکان تمام علوم را باید همه بخوانند این استفاده هائی را که شما از این ده یازده مدرسه که در تهران دایر کرده اید (و هنوز حقوق را نتوانست اید برسانید) میخوانید بنمایند همین استفاده را از آن مدارس هم میتوانی بکنید دیگر عرضی ندارم

وزیر معارف - بنده از آقایان نمایندگان محترم خیلی متشکرم که در این باره راجع به معارف مذاکرات جاسه گذشته اکتفا نکرده و تمیق فرمودند این نصیب آقایان معلوم بدارد آنطوریکه دولت تمام افراد مملکت استنباط کرده اند معارف يك اهمیت تام و تامی دارد لهذا این نصیب آقایان یعنی تجدید مذاکرات يك امیدواریهائی وزارت معارف و يك بشارت هائی بعوم می دهد البته به ما ماموران تکمیل نشود آن مقام ارجعتی که طالب او هستیم بار نخواهم رسید بدین است طلوع مندر در امان مملکت فقر را برطرف می کند اگر چه آقایان محترم در ماده راجع بمالیه از فقر مملکت خیلی مذاکره فرمودند بنده هم تصدیق دارم ولی امیدوارم در موضوع پیشنهاداتی که راجع بمعارف خواهد شد آن وقت از فقر صحبت نفرمایند البته معلم بجز تعلیم و تدبیر بجز حسن اداره و وزارت معارف بجز اصلاح مقصد دیگری نباید داشته باشد راجع بفرمایش آقای فقیه الملك بنده کمال موافقت را دارم و تصدیق می کنم باید در فراه و دهات مدارس تأسیس کرد و اولاد زارمین را که صاحبان این آب و خاک هستند از این جهالت بیرون آورد تا برای این مملکت چه در انتغایات وجه برای آینده مملکت نافع باشند و بدانند در انتغایات چه کسی را انتخاب می کنند و می توانند اسش را بنویسند و اگر کسی می نویسد بتوانند بخواند همینطور راجع بفلاحت و غیره هم باید بآها يك چیز عائی آموخت که بهتر بتوانند کار کنند راجع بحفظالصحه البته باید راه باقوی البته نباشد تا بتوانند کار اله اگر بتوانند کار کنند قوی البته نباشد نمیتوانند احتیاجات مملکت را فراهم کنند باید افراد ملت تماماً قوی البته باشند بنده همان آرزوها را در باب معارف دارم در باب حفظالصحه دارم یعنی در باب پیشنهاداتی

که راجع بحفظالصحه خواهد شد آرزو مندم آقایان از فقر صحبت نفرمایند و همانطور که نمایندگان يك ملت با ترقی رفتار می کنند عمل نمایند که هم معارف هم حفظالصحه را بتوانیم در اطراف تکمیل کنیم راجع بامراض مختلفه هم اقداماتی شده از جمله راجع بمرض مهلك آبله که در مجلس دوم يك قانونی گذشت و در ماه همان قانون از يك تلفات خیلی مهمی توانستیم جلوگیری کنیم قبل از وضع این قانون در سال تقریباً دویست هزار نفر از روی يك استاتستیکي که کامل نبود تلفات آبله یعنی از آنها ۵۰ هزار نفر تلف میشدند و (۱۵۰) هزار نفر دیگر هم که میماندند یا مسلول و یا معیوب میشدند خصوصاً در صورت چشم

راجع بمرضه طبق پروگرامی که امسال نوشته شده شاگردان علاوه بر این که تحصیلات طب را نظری خواهند کرد در مریضخانه هم راجع بمرضه طب است عملی هم تحصیل خواهند کرد و نیز تصدیق می کنم طب را نمی توان از روی کتب تحصیل صكه باید شاگرد عملاً ببینند والا اگر دهستان هم بخواند وقتی که نزد مرضی آمد نمیتواند يك مرض نویه را تشخیص دهد و انشاء الله تحصیلات عملی شاگردان طب با تحصیلات نظری توأم خواهد شد راجع بقراینات آقای مدرس تصدیق می کنم دارالتربیه لازم است و اینکه فرمودند دکتر هائی که تحصیل کرده اند چرا نباید ترجمه کنند البته تصدیق میفرمایند که ترجمه يك کار خیلی مشکلی است مثلاً اگر من بخواهم چیزی را ترجمه کنم باید زندگانی بنده تأمین شده باشد تا حواسم جمع و بتوانم ترجمه کنم و آنوقت مطمئن باشم کتابی را که ترجمه کرده ام به طبیب خواهد رسید و اگر کتاب من از کتب سابق بهتر شد از طرف دولت هم يك قدر شایسته نسبت بمن خواهد شد اگر دکترها چه در علم طب و چه در علم حقوق نتوانسته اند بقدری که لازم است این خدمت را انجام دهند ناچار بودند معاش خود را تأمین نمایند و چنانکه عرض کردم ترجمه كتب علمی برای شخص يك فکر خیلی آسوده میخواند که بتواند ابتکارا بکند در این موقع اجازه میخواهم چند کلمه عرض کنم چون آقای مدرس در جلسه قبل فرمودند اطباء را ادارات دولتی نمیتوانند چون خود بنده طبیب هستم از روی تجربه عرض میکنم اطباء که در دوائر دولتی مستخدمند برای این است که آقایان اطباء بعد از تحصیلات زیاد اغلب در محکمه هائی که دارند نمیتوانند زندگانی خود را تأمین کنند خصوصاً در مملکت ما و اگر از دوی انصاف ملاحظه بفرمایید طبقه اطباء طبقه هستند که بیشتر خدمت بمملکت می کنند زیرا يك تاجر یا يك بقال یا يك عطاری معطاع خودش را هیچوقت مفت نمی دهد من اگر نزد تاجری بروم و قالیچه کوچکی از او بخواهم بمن مفت نخواهد داد بعضی ها می گویند طبیب سرمایه اش قلم و کاغذ است اینطور نیست یک نفر طبیب تمام عمر و تروش را روی تحصیل طب گذارده است قلم و مداد تنها سرمایه او نیست تمام هستی خود را در این راه صرف کرده است اگر يك مرض يك نسخه مجانی بدهد مثل این است که يك قسمت از متاع خودش را مجانی باو داده است اینجا خواستم

از اطباء قدری دفاع کرده باشم اما راجع بمدارس قدیمه بنده کاملاً با آقای مدرس هم عقیده هستم و دلایل این است که حتی در مسافرت اخیری که بکربلا مشرف شدم همین عقیده را به آقایانی که در آنجا بودند عرض کردم که خوب است شاگردان مدارس عتیقه هم علوم جدید را تحصیل کنند که بعد از اتمام تحصیلاتشان علوم جدید را فرا بگیرند و باشند لهذا میتوانم عرض کنم در این باب هم با ایشان هم عقیده هستم

رئیس - آقای آقا میرزا ابراهیم قمی (اجازه نطق)

آقای میرزا ابراهیم قمی - بنده هم معتقدم که یکی از بزرگترین کارها در وزارت معارف تأسیس يك دارالتربیه است که ضمیمه بکلیه بناو يك آکادمی را برای وضع لغات و تفسیر زبان خارجه بفارسی چنانکه در زمان دولت عباسی که تمام علوم را از حکمت و فلسفه بزبان عربی ترجمه کرده و آن ترفیات معبر العقول را کردند بنده هم معتقدم که آقای وزیر معارف يك توجه خاصی در این موضوع بفرمایند

وزیر معارف - دارالتربیه در نظر گرفته شده است

رئیس - آقای سردار معظم خراسانی (اجازه)

سردار معظم - مطالب در این ماده زیادتر از آنچه که لازم بود گفته شد و در باب معارف تمام اصلاحات ممکنه و توسعه معارف چه از طرف متخصصین وجه از طرف غیر متخصصین شرح داده شده و بنده دیگر داخل این مطلب نمیشوم و بنده تأسیس مدارس را در قراء و تأسیس آکادمی را لازم میدانم زیرا تاکنون وزارت معارف موفق نشده است که پولی تهیه نموده و رفع تعطیل مدارس را بنماید توقعات بنده خیلی نا قابل است و چون بنده افتخار عضویت يك جمعیتی را که در مجلس هستند دارم لذا همان سه ماده که در پروگرام ما درج شده در اینجا عرض می کنم که دولت در موقع تهیه لوازم راجع بمعارف در نظر داشته باشد ما اول قدیمی که لازم میدانیم برای مدارس برداشته شود این است که يك قسمت کافی از عایدات مملکت را برای تأسیس مدارس ابتدائی و متوسطه تخصیص دهیم فلذا توقع تأسیس مدارس عالی نداریم فقط میخواهم چند مدرسه ابتدائی و متوسطه در شهرها تأسیس کند ولی آتیه آن مدارس را تأمین نمایند یعنی يك قسمت از عایدات مملکت را برای مصارف آن مدارس تخصیص دهند و يك قسمت دیگری را صكه فلذا لازم می دانم و تصور می کنم از سایر مسائل مهمتر است اهزام يك عده شاگرد است بخارجه برای تکمیل تحصیلات و این مسئله در اینجا ذکر نشده است ملازم می دانم پس از اینکه شاگردان ما در اینجا تکمیل و فارغ التحصیل شده همه ساله يك عده برای تکمیل تحصیلات باوریا فرستاده شود همچنین برای اصلاحات مدارس همانطور که گفته شد برای ادارات باید متخصصین و معالین فنی استخدام نمود همینطور برای مدارس لازم است و وزارت معارف باید در نظر داشته باشد باشد و البته در این ضمن تأسیس يك دارالمعلمین هم لازم

است قدم کوچک دیگری که باید برداشت اصلاح پروگرام و ربط تصمیمات معارف است با یکدیگر و مابین پروگرام مدارس متوسطه و ابتدائی باید یک رابطه خیلی مائوسی موجود باشد و اگر دولت این نظریه را در ضمن تهیه اوانج راجع با اصلاحات معارف تأمین کند ما دیگر توفیق نداریم.

رئیس - آقایان مذاکرات را در ماه پنجم کافی می دانند.

(عقب گفتند کافی است)

رئیس - ماده ششم مطرح است آقایان کن الملک (اجازه).

کن الملک - این مسئله مسأله است که عدلیه برای ما چه درس که در ولایات نواقض زیادی دارد که باید اصلاح شود ولی بچه نعو و بطور باید این کار را انجام داد در خصوص اصلاحات عدلیه عقاید مختلف است بعضی ها تصور میکنند که باید قضات و اعضای عدلیه را تغییر بدیم و تصور میکنند با تغییر قضات امور وزارت عدلیه اصلاح خواهد شد جمعی هم متصورند که قضات را باید امتحان کنید که سابقه علمی قضات معروض شود جماعتی هم عقیده دارند که نواقض معروضه عدلیه نواقضی دارد که با رفع آن نواقض عدلیه اصلاح می شود و دیگر نظر دولت هم همین است که در ماده ششم مرقوم فرموده اند اصلاح قوانین عدلیه به تصویب می گنم که هیچیکدام از این ها عدلیه را اصلاح نمیکند زیرا از روی تجربه مسلم شده است که هر طرف این سمت در تغییر اشخاص علاوه بر اینکه اصلاحاتی نشده در امور هم اشکالاتی وارد آورده و بطور در انتخابات قضات و اعضاء اما در خصوص نواقضی که برای قانون فرض میکنند بنده تصور میکنم آن قوانینی که تصویب می گنم عدلیه و سیده است چندان نواقضی نداشته باشد و تصور می گنم با مختصر جرح و تعدیل اصلاح شود ولی در صورتی که آن قوانین مواعیر اجرا گذاشته نمیشود چه اثری بر آن مترتب خواهد بود و بنابراین عقیده شخص بنده بر آنست که در این مدت استخدام عدلیه حاصل کرده ام این است که تصور میکنم علاج مختصر بفرود اصلاح عدلیه در اجرای قوانین است و مسلماً اگر در اجرای قوانین موضوعه توجه شود ممکن است هم اعضاء التالیف بحکم آن قانون خارج و هم اعضاء امتحان شده وارد و هم رفع نواقض بشود مثلاً قانونی اعتباراتی با دارا امور عدلیه داده است که گمان میکنم با اعمال همان اختیارات معایب عدلیه بر طرف شود اما در خصوص روابط مابین معاکم عدلیه و معاضد شرعی نواقض زیادی است و تصور میکنم باید موافق قانون اصول تشکیلات آن نواقض هم رفع شود و ادامه آن نواقض رفع نشده است این شکایات همیشه در کار است این بود قسمتی از عرایض بنده راجع به اصلاحات قضائی در چند نخواستم اوقات آقایان نمایندگان را ضایع کرد.

رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله (اجازه منقطع) محتاج شیخ اسدالله - در مواد سابق پروگرام

مذاکرات بقدری زیاد شده است که بنده مجبورم عرایض خودم را با اینکه راجع با اصلاحات عدلیه مفصل است مختصر کنم دولت در این پروگرام نسبت به عدلیه آن بسطی را که باید بنده نداده است قوه قضائیه را در این پروگرام خیلی کوچک کرده است در حالیکه قوه قضائیه یک قسمت از اساس اصلاحات مملکت است زیرا تمام اموال و نفوس و اعراض خلق در بد قدرت قوه قضائیه است اصلاح قوه قضائیه خیلی اهمیت دارد و دولت چه دو مقدمه پروگرام وجه در موافق به اصلاح قوانین قضائی قناعت کرده است و بنده تصور میکنم این کافی نباشد. برای اصلاح قوه قضائیه سابقاً با آقای وزیر عدلیه مذاکره شده و خود ایشان هم در یک قسمت از عرایض بنده موافقت دارند البته این قوانینی که فعلاً در دست است بعضی اصلاحات دارد و به اصلاحات اساسی که بگوئیم این قانون ناقص است ولی در موقع عمل راجع به بعضی از مواد این قانون معاکم به خطورات بر می خورد این است که اصلاحاتی که باید در این قانون بشود اصلاحات اساسی نیست و اصلاحات جزئی است که اگر بگوئیم آمدن معارض میکنم ولی قانون عدلیه کم است نه اینکه ناقص است قانون جزا که اساس مجازات است نداریم یک قانون جزائی عریض پیشنهاد شده است صکبه بوقع اجرا گذاشته شود و گمان میکنم خود حضرت والا تصدیق بفرمایند که این قانون در این مملکت ممکن نیست اجرا شود بعضی از موادش که اصلاً قابل اجرا نیست و بعضی از مواد آن هم مخالف با شرع است و مطابق قانون اساسی باید آنها را تغییر داد بعضی از مواد آن هم قابل اجراست که الان معاکم جزا شروع با اجرای همان مواد کرده اند اصلاح عدلیه راجع به اصلاح قانون نیست یک قسمت از اصلاحات عدلیه راجع با اجرای قانون است همین قانون موضوعه که امروز درست حاکم است (ولایتیکه میگویند ناقص است) اگر کاملاً بوقع اجرا نگذاشته شود این همه شکایات از قوه قضائیه و معاکم تولید نمیشود این قانون به بوجه اجرا نشده نه معاکم بر تکلیف خود عمل میکنند و نه وزرای عدلیه به مقام اجرای قانون بر آمده اند حالاً دلیل چه بود و معاکم چرا عمل نمیکند آن را هم در موقع غیور عرض می کنم یک روز یک وزیر روی کار آمد و مدیر خلاف صریح بعضی از مواد قانون یک ابلاغی صادر کرده است و یک قوانینی وضع نموده است و بقدری از این ابلاغات در وزارت عدلیه صادر شد که همه معارض با یکدیگر بود برای اینکه هر وزیری آمد یک ابلاغی صادر کرد و دیگری خلاف او را صادر نمود تا در زمان شاهزاده نصرت الدوله منصور السلطنه این ابلاغات را جمع کرد و هر کدام مخالف یکدیگر بود لاف کرد با این وضع که هر وزیری در عدلیه بیاید و اینکه ابلاغ صادر شود و آن را قانون قرار دهد البته قانون اصلی از بین می رود البته قانون عدلیه اگر اجرا شده بود بنظر از عدلیه شکایت نمیشد مثلاً یکی از شکایاتی که می شود راجع بطول جریان معاکم است و اگر وزیر وقت اجرای قانون را تعقیب کند این قانون سرعت معاکم را دستور

داده زیرا قانون میگوید که مدعی باید تمام مدارکش را بعداً بفرستد و مدعی علیه هم تمام دفاعاتش را به معاکم بیاورد در این صورت یک جلسه معاکم میکنند تمام میشود اگر در یک جلسه تمام نشد جلسه دوم باید تمام کند و الا جلسه سوم حتماً باید تمام شود جلسه معاکم را قانون یک جلسه تعیین کرده ولی معاکم جلسه معاکم را آنقدر توسعه می دهند که یک معاکم یکسال دو سال سه سال طول میکشد خلاصه مسئله معاکم یک درد بی درمانی شده است که تمام مردم در زحمت هستند و پس از ختم معاکم قانون میگوید باید رأی بدهند معاکم این کار را نمیکند و رأی نمیدهند وقتی که معاکم را تمام می کنند دوسه بفرستد میرود و پس از مدتی دوسه معقود می شود آنوقت یکسال یا دو سال طول می کشد و متعاضین غسته شده و عاجز میشوند بنده بگوئیم قضات بد هستند کارها بعضی شده است که هر کس برود در آنجا در می یابد عدلیه باید اصلاح شود دولت وقت باید با اصلاح آن اقدام کند اصلاح عدلیه اولاً از راه اجرای قانون ممکن است ثانیاً از راه دادن اختیارات بقضات قاضی باید از تعرض مصون باشد دخول و خروج قضات باید در تحت یک اساس باشد اساس وزارت عدلیه بر روی قانون امتحان است باید اشخاص را مطابق نظامنامه امتحان کنند و وقتی که از امتحان گذشت مطابق تصدیق کمیسیون امتحان با و کار بدهند ولی بدبختانه چند نفره اعلان کردند و یک اشخاص هم امتحان دادند ولی پس از چند روز دیدم اشخاصی که امتحان دادند بحال بلانکبفی ماندند و اشخاصی که امتحان نداده اند بواسطه توصیه ها و فشارها و یک چیزهایی که بوزیر وقت میشد یا اگر جسارت نکرده باشم بواسطه یک نظریات خصوصی که وزیر وقت داشت داخل در کار می شدند مثلاً منشی معاکم که تقریر نویس است بیچاره خط ندارد آنوقت او را بتوصیه تقریر نویس کرده اند دوسه که نوشته میشود وقتی که بآن رجوع میکنند نمیشود خوانند سرسری ده غلط املائی دارد چرا برای اینکه از روی اساس امتحان او را وارد نکرده اند یکی هم مسئله خروج است یعنی همانطور که باید ورود از روی اساس باشد خروج هم باید از روی اساس باشد اینکه هر وزیری در تحت عنوان قانون معافیت هر کس را بخواهد از خدمت خارج کند این است که مقام قضات معفوظ نمی ماند و هیچ قاضی یا این قانون معافیت که در عدلیه معمول شده مقامش مأمون نیست زیرا مطابق قانون معافیت مقام او هر ساعت متزلزل است اینطور قاضی چگونه می تواند در موقع معاکم که وزیر یک نظر خصوصی داشته باشد ملاحظه نکند و حکم بدهد البته مجبور است زیرا مقامش متزلزل است در صورتی که قانون اساسی مقام قاضی را مصون دانسته و بدون تقصیر قاضی را نباید تغییر بدهند و عزل کنند یکی از چیزهایی که لازم است مجازات است مشاور عالی و تبیین مجازات هم هست ولی اسم است رسم نیست مثلاً وظایف اداره امور نظارت و رسیدگی بمعاملات قضات است (حالاً بنده نسبت با اساس اداره امور نظارتی دارم که مدعی العموم استنباف می تواند تمام وظایف اداره امور را انجام دهد این یک مسئله دیگری است که در

موقع خود در کمیسیون عرض خواهم کرد) مثلاً در عدلیه راپورتی جمع شده که باید به مشاوره عالی برود چون اختیارات تبیین مشاوره عالی با وزیر است همه همین طور بی ترتیب ماند ولی وقتیکه به مشاوره عالی رفت در آنجا اگر نسبت یک شخص بدبخت فلک زده باشد محکوم بانفصال یا تنزل رتبه میشود و اگر یک اشخاصی هستند که مقامشان عالی است (دیگر جسارت به مشاوره عالی نمی کنم) مشاوره عالی رأی نخواهد داد منتهی تیرتیه هم اگر نکنند همین قسم بلانکلیف میماند توقیف میشود این است که میگویم قانون عدلیه باید تکمیل شود و وزیر عدلیه آن قانون را بوقع اجرا گذارد و اشخاصی که در عدلیه آمده اند باید از آنها امتحانات علمی و عملی بنمایند و مطابق تصدیق بآنها کار بدهند و اشخاصی که لایق نیستند رد نمایند مثلاً یک چیزی که جز ابلاغات اخیر شده این است که اشخاصی که از مدرسه سیاسی تصدیق دارند آنها را امتحان نمی نمایند و همچنین اشخاصی که از مدرسه حقوق تصدیق دارند اگر چه قانون تشکیلات عدلیه که از کمیسیون گذشته میگوید تا زمانیکه مدرسه حقوق تأسیس نشده این قانون امتحان باید مجری باشد و بعد از تأسیس مدرسه حقوق تصدیق آن مدرسه برای دخول در عدلیه کافی است ولی قانون شرح نمی دهد که آن مدرسه حقوق چگونه مدرسه باشد آیا باید مدرسه حقوق باشد یا یک مدرسه شبیه بکلاس اکابر باشد که یک نفر معلم از خارج خواسته باشیم و یک نفر قهقهه در آنجا برود و اشخاص مبنی که در ادارات هستند بعد از فراغت بروند آنجا و تحصیل کنند در شان چه چیز است؟ فقه شرعی و قوانین حقوقی مدونه در اروپا است از کجاست نابلیون آن قوانین برای قضاوت مملکت کافی نیست قاضی باید اطلاع از قانون قضائی اسلامی داشته باشد قاضی باید قضاوتش در ایران کامل باشد و عالم در علم حقوق باشد که وقتی رأی میدهند حتماً قانون قضائی اسلامی را در نظر داشته باشد و مطابق آن قانون قضاوت کنند.

اگر بقانونی که در اروپا معمول است قناعت کند و رأی دهد اگر در معاکم ابتدائی رأی دهد استنباف رد می کند در استنباف رأی دهد تمیز رد می کند.

پس این نمیشود اساس معاملات ما. اساس تجارت ما. مطابق قوانین شرع است اینست که در مدرسه حقوق رکن اول آن باید تحصیل فقه باشد تحصیل شرایع کافی نیست زیرا بسا مطالبی است که در شرایع نیست و در موقعی که قاضی بآن بر می خورد نمیداند چکند باید برود از دیگری بی رسد پس یک قاضی که در معاکم نتواند یک تصمیمی اتخاذ کند و رأی بدهد نمی تواند قضاوت کند اینست که عرض میکنم باید وزیر عدلیه این نظریه را در مدرسه حقوق منظور داشته باشند.

پس سه چیز است که عدلیه را اصلاح میکند اول اصلاح وضع قوانین دوم ورود در عدلیه از روی امتحان سوم خروج بواسطه معاکم که ورود

و خروج در دست وزیر نباشد نه در مرکز بلکه در تمام ولایات این اصل باید اتخاذ شود زیرا همین بی ترتیبی ها سبب شد که در موقع کابینه گذشته وقتی اعلان انحلال عدلیه را دادند مردم از این اقدام فوق العاده خوشوقت و مسرور شدند مردم از عملیات عدلیه آنقدر ناراضی و شاکی بودند که فقط در تمام عملیات آقا سیدضیاءالدین از چیزی که راضی بودند از انحلال عدلیه بود.

پس باید دولت باین سهی ها هر چه زودتر تخریحات دهد و تصور میکنم خود آقای وزیر عدلیه هم باینست در این نظریات موافق باشند.

رئیس - جمعی از آقایان بیرون تشریف برده اند و عده کافی نیست اگر آقایان موافق باشند چند دقیقه تنفس شود بیرون که تشریف می برید ۱۲ نفر هم برای عضویت کمیسیون داخله انتخاب کنید در این موقع آقایان نمایندگان برای تنفس از مجلس خارج و پس از نیم ساعت مجدداً جلسه تشکیل گردید.

رئیس - آقای سردار معظم (اجازه)

سردار معظم - بنده حق ندارم در موقع اصلاحات قوه قضائیه اظهار عقیده بکنم زیرا نه در وزارت عدلیه بوده ام نه با ادارات قضائیه تا حال سر و کاری داشته ام که در موقع عمل تمام رموز عدلیه را بیاموزم و مطلع باشم ولی نوشتنهایی که از طرف مردم بنده رسیده می فهماند که شکایت عده مردم از طول مدت معاکم است و می گویند وقتی که کاری بعدلیه رجوع می شود برای خانه آن هر عادی کفایت نمی کند در صورتی که قوانین ما دو نوع معاکم را پیش بینی کرده معاکم اختصاری و معاکم عادی.

ولی بعقیده بعضی تأخیر معاکمات اختصاری و بعقیده برخی برعکس بواسطه اینست که محاکمات اختصاری از بین رفته است و در هر صورت حکمت آن با بنده نیست فقط چیزی که خواستم خاطر نشان هیئت دولت کنم این بود که چون مسائلی در پروگرام بطور کلی نوشته شده است در ضمن لوایحی که بعد برای اصلاح عدلیه پیشنهاد میکنند در نظر داشته باشند که قسمت اعظم شکایات مردم از بطور جریان کار است و مادام که این علت را رفع نکنند هیچ نوع اصلاحی در عدلیه ممکن نیست زیرا فقط مردم خوب و بد را از نقطه نظر احتیاجات و منافع خودشان تلقی می کنند.

اگر آقای رئیس اجازه بفرمایند عرض خود را چون آقای وزیر عدلیه تازه تشریف آورده اند تکرار کنم عرض کردم عمل شکایات مردم از طول معاکم است می گویند وقتی کاری بعدلیه رجوع می شود عمر آن شخص کفاف نمی کند تا ببیند چه نتیجه برای او حاصل شده است آقای وزیر عدلیه در ضمن تهیه لوایح که برای اصلاحات در نظر دارند باید متوجه این نکته بشوند که قوانین طوری تدوین شود و معاکم بطریق تشکیل گردد که بالاخره تکلیف متداینین برودی معین شود تا وقتی که ما یک مراکز رجوع نداشته باشیم که تکلیف مردم را معلوم کند مردم همیشه از عدلیه شکایت خواهند داشت همیشه تشکیلات

ما مورد عدم توجه و بلکه مردم ناراضی خواهند بود زیرا مردم ظلم سریع را بر بی تکلیفی مبتد ترجیح میدهند از این نقطه نظر بهتر اینست که آقای وزیر عدلیه این مسئله را در نظر داشته باشند و در ضمن تهیه لوایح این نکته را اصلاح کنند.

رئیس - آقای محمد هاشم میرزا (اجازه)

محمد هاشم میرزا - بنده مذاکرات را کافی می دانم و عقیده خودم را در موقعی که لوایح بمجلس تقدیم می شود عرض میکنم.

رئیس - مذاکرات کافی است؟ (بعضی گفتند کافی است)

رئیس - رأی می گیریم آقایانی که مذاکرات را کافی می دانند قیام نمایند. (عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس - معلومی شود کافی نیست آقای آقا سید فاضل (اجازه)

آقا سید فاضل - بنده غالباً کاجازه می گیرم با موافق مصادف می شود که آقایان خیال می کنند مذاکرات کافی است.

رئیس - آقایان چنین خیالی نکرده اند.

آقا سید فاضل - خیال که کرده بودند.

رئیس - اکثریت چنان خیالی نکرده بود

آقا سید فاضل - بلی چون در پروگرام حرف معلم و متخصص زیاد است و چون بنده خود را معلم و متخصص در امور قضائیه اسلامی می دانم لازم دانستم مطالبی عرض کنم.

سابقاً معروف بود که از خانه قاضی یک نفر از متداینین خوشحال بر می گردد حالا طوری شده است که محکوم علیه و محکوله هر دو کمال اترجاء و خوشحالی را از قوه قضائی دارند.

بنده باریس نرفته ام. آقای مشیرالدوله فرمودند که در دهلیز عدلیه باریس دوفتر مجسمه نصب کرده اند که بکسی مشکوف الاضاء است که محکوم علیه باشد و دیگری سائر الموده است که محکوم له باشد جسارت نباشد در عدلیه ماهر دو بی سار هستند فلسفه قضائی آنچه بر حسب موازین اسلامی دیده شده است ملاحظه سرعت معاکمات و سرعت جریان معاکمات را کرده و بعضی فقراتی که جمله اش را عرض میکنم انما قضی بینکم بالبینات والایمان والبینة علی المدعی والبیین علی من انکر حاصل آنچه از کتب قضائی بدست می آید فقط قطع و فصل ماده تراع است که متداینین راحت شوند بدبختانه وضع عدلیه عده اش همانطوری است که بعضی از آقایان اظهار کردند و فلسفه عیب عدلیه بطور جریان معاکم است و برخلاف فلسفه اسلامی در عدلیه معاکمات بطور بطور جاری است اگر چه بعضی از آقایان نمایندگان اظهار داشتند موادی که در پروگرام راجع با امور قضائی نوشته اند خیلی کم است لیکن بنده گمان میکنم این عبارت چون یک عبارت کلی است منتهی در حد کافی است و شامل اصلاح تمام امور قضائی می شود و امیدوارم انشاء الله دولت معاضد توجیهی با اصلاحات امور قضائی بفرمایند و لوایحش را حاضر نموده بمجلس بیاورند و در کمیسیون عدلیه هم اخصان متخصص در فقه و سایر مطالب هستند ملاحظه

خواهند کرد و در تحت عنوان اصلاح امور قضائی بسیاری از کارها انجام خواهد گرفت در خانه خاطر بهشت دولت را متوجه میسازم که مردم بی اندازه از عدلیه متنفرند و هر جا که عدلیه نیست مردم خوشحالند بطوری که آن کابینه ملعون سباه که همیشه وظیفه ملیون ایران است باویند بگویند بگناه چیزی که اسلحه خودش قرار داده بود و نمیشد با افکار عمومی مواجه شد فقط انحلال عدلیه بود بکسی که مردم منجر بودند و انحلال عدلیه را برای خود یک عیدی تصور می نمودند و حتی الامکان هیئت محترم دولت باید در لایحه که پیشنهاد می کند متوجه باشند که قوانین قضائی اسلامی حفظ شود و من غیر از این شق را غلط می دانم.

نصرت الدوله - بنده تصمصم داشتم که بواسطه ظول مذاکرات پروگرام درآمده ششم و او اینکه انتظار میرفت از طرف بنده اظهاراتی بشود مداخله نکنم لکن بیاناتی که آقای حاج شیخ اسدالله فرمودند بنده را مجبور بجوابهای مختصری می کند اولاً در ضمن اصلاحات عدلیه که موضوع بحث است همه معایب گفته می شود و گمان نمی کنم هیچکس منکر باشد که اداره عدلیه مثل تمام ادارات دیگر معایبی دارد ولی بنده می خواهم عرض کنم که اگر معایب گفته می شود باید یک حق شناسی هم کرد. ما باید تصدیق کنیم که از بدو اصول تشکیل مشروطیت و در تمام مدتهای متعادی که ما بدینجهت مجال نداشته ایم فقط یک وزارتخانه که صورت تشکیلات قانونی بخود گرفته و یک قوانین مدونه دارد وزارت عدلیه است اینقدر حق شناسی باید بشود البته بنده تصدیق میکنم که این قوانین کامل نیستند لیکن همانطور که آقای آقا سید فاضل فرمودند و عقیده همه ماها است وقتی گفتیم این قوانین کافی نیست البته نقطه نظرمان قوانین اصلی عدلیه که قوانین شرع است نیست و در موقعی که مجلس شورای ملی برای اولین دفعه تشکیل شد و تشکیلات قضائی و عدلیه فعلی را در نظر گرفتند اینطور تصور میکردند که با تصدیق آقایان حجج اسلام طراز اولی که در مجلس بودند و خوب بختان امروز هم از آن آقایان آقای مدرس بسمت و کاک در مجلس تشریف دارند و به وجود ایشان مقتضای قوانین برای عدلیه تدوین کنند و در نظر داشتند این قوانین که طرف احتیاج هموم هستند و باید در معاصکی اجرا شود که تمام فضاوت آن نمی تواند دارای مقام عالی اجتهاد و قضاوت شرعی باشد باشند آن قوانین طوری باشند که درخور فهم عموم باشند و نیز در نظر داشتند که در این قوانین رعایت کشفیات و احتیاجات ارتباط ماصکت ما با مالک و ملل دیگر بعمل آید آقای حاج شیخ اسدالله فرمودند قوانین موجوده باید تکمیل شود با این نظریه کاملاً موافقم و قوانین مدنی است عملاً بجز این افتاده و نواقص آن در ضمن عملیات روشن شده امروز وزارت عدلیه بخوبی می تواند اصلاحات مفیده پیشنهاد کند و بکسیون عدلیه بیاورد تا این قوانین بخوبی تکمیل شود بعد فرمودند یک قوانین ناقص دیگری هست و در این جا نیز ذکر می از قانون جزای عرفی کردند و از بنده استظهار کردند چون من پیشنهاد کننده این قانون بودم باین جهت

چند کلمه بطور اختصار عرض می کنم بنده قبل از دوره فترت در موقعی که مجلس سوم افتتاح شده بود بسمت کفالت عدلیه در مجلس معرفی شدم و بعد بسمت معاونت در کابینه آقای مشیرالدوله یک لایحه راجع بقانون جزای عرفی نوشته شده بود و آن لایحه را خودم در کمیسیون عدلیه مجلس آوردم و در آنجا مشغول مذاکره شدم چون اختلافاتی تولید و حل آن دچار مشکلاتی بود بنده از آقای مدرس تقاضا کردم که این لایحه بعوض این که از طرف دولت پیشنهاد مورد بحث باشد یک لایحه خودشان تهیه کنند که ما آن را مطرح بحث قرار دهیم و اگر نظریه ای داشته باشیم در روی زمینه آن لایحه مذاکره می کنیم آقای مدرس هم یک مواد خیلی مفیدی نوشته و بکسیون آوردند و در مواد آن هم بحث شد متأسفانه قبل از آنکه نتیجه اتخاذ شود وقایعی که خاطر همه مسیون است پیش آمد بعد بنده در عدلیه مصادف شدم با یک صورت مشکل و غیر طبیعی فراق این بود که در کمیسیون مجلس یک قانون تشکیلاتی تصویب و یک معاکمی هم بر طبق آن قانون تشکیل شده بود من جمله معاکمه جزا و معاکمه جنائی و یک قانون اصول معاصکات جزائی هم از کمیسیون مجلس گذشته بود و این قانون هم برای اجرا شدن در دست ما بود ولی وضعیت غیر طبیعی این بود که آن قاضی که پشت میز نشسته بود و متداعبین یا نماینده بار که که عرض حال جزائی می دادند رفتار خود را منطبق با اصول معاکمات جزائی که از کمیسیون گذشته بود می خواند آنوقت در موقع معاکمه قاضی معاکمه یک قانونی در دست نداشت که بر طبق آن حکم دهد متأسفانه اشخاصی هم که پشت میز نشسته بودند یک اشخاصی بودند که وزارت عدلیه می تواند تصور کند که آماده احکام شرع و آن طوری که باید باشند هستند برای این که وزارت عدلیه و مردم از این معظور خلاص شوند بنده فکر میکردم لایحه قانون جزای عرفی را پیشنهاد و بطور موقت تا افتتاح مجلس اجرا شود و این اجرای موقت را هم از نقطه نظر تکمیل خوب می دانستم برای این که پس از تشکیل مجلس این قانون بایک صورت کامل صحیحی و بایک تجربیات و یادداشت های مفیدی از عدلیه بمجلس پیشنهاد می شد آقای حاج شیخ اسدالله فرمودند این قانون معنوی یک موافق قابل اجرا است اگر در این سه چهار سال دوره هم این قانون پیدا کرده نمی دانم مقصودشان کدام ماده است ولی اینهم در موقعی که بکسیون می آید کمیسیون آن مواد را حذف می کند و این که فرمودند یک موادی هست که درست با موازین شرع مطابقت نمیکند عرض می کنم آقای مشیرالدوله در موقع تقدیم لایحه اولی بنده در موقع تهیه این لایحه این مراعات را کردم که این قوانین را در تحت نظریه اشخاصی که بصیرت کامل بقوانین شرعی ما دارند بگذاریم تا اگر یک مخالفت هائی بین این قانون و موازین شرعی باشد اصلاح شود ولیکن البته اگر یک همچو غلطی شده باشد باز اصلاح آن از وظایف کمیسیون عدلیه و مجلس شورای ملی است بنده قادر بر اظهار عقیده قطعی نیست ولی آقایانی

این قانون را مطالعه کرده اند چنین عیوبانی که ذکر شد در آن ندیده اند و اگر چنین بود هیچ دولتی اقدام با اجرای موقت آن نمی نمود بهر حال گمان میکنم این اصلاحات مشکل نباشد زیرا حسن این قوانین همین است که با مقتضیات وقت قابل تغییر و اگر بواسطه تجربه نواقصی در آنها مشاهده شد قابل اصلاح هستند آقای حاج شیخ اسدالله اشاره بقانون دیگری کردند و آن قانون معافیت است اگر چه مستقیماً اظهار نکردند ولی ایرادشان راجع بپیشه است بنا بر این چند کلمه در این باب توضیحاً عرض می کنم آقایان هیئت محترم دولت هم البته از تاویل مذاکره ممنورم خواهند فرمود آقای حاج اسدالله باید بدانند که این ترتیبات بواسطه نقصان قانون است البته تصدیق میشاید وقتی که ترتیباتی اجرا شده و قوانینی که بایستی این ترتیبات را بطرز صحیح و کامل معین بکنند کامل نباشد همیشه اجرا کنند این قوانین و اشخاصی که طرف اجرای این قوانین هستند دچار اشکالات میشوند مثلاً بتقلید قوانین قضائی اروپا قاضی را تغییر نایندیر قائل شده برای این که مقام قضاوت تأمین شود بنده کاملاً موافق با این عقیده هستم که قاضی بایستی تغییر نایندیر باشد ولی این مطلب در قانون اساسی تاورچه مبهم است و چون هنوز اجرای قوانین در این ملکیت طولانی نیست و از طرز عمل باین قانون تجربه و سابقه پیدا نشده ناچار وزارت عدلیه در اجرای این ماده دچار اشکالات میشد اولاً قاضی که تغییر نایندیر است بایستی دارای شرایطی باشد که تا حال در اغلب از قضات ما شاید موجود نبوده

ثانیاً از این مسئله هم که صرف نظر کنیم باید دید آیا خود قاضی تغییر نایندیر است یا معالی هم که قاضی اشتغال می کند تغییر نایندیر است ما در عدلیه همیشه مصادف بودیم با این عقیده که یک قاضی همین که رئیس یک معاکمه شد دیگر هیچ قدرتی حق ندارد او را از این صندلی بلند کند و اگر رای مجل دیگری وجودش لازم می شد و بای می خواستند او را برای ریاست معاکم یکی از اولیات بفرستند ابداً حاضر برای رفتن نمیشد و می گفتند وزارت عدلیه نسبت بآنها اقتداراتی ندارد و نمی تواند آنها را مجبور به تغییر مکان نماید این قانون معافیت موقتی که نوشته شده ما خود از قوانین اروپا است و هیچ دلیلی نداشت که ما قوانین دیگر خود را از آنها اخذ کرده بودیم این قانون را که با اصلاح اروپائی ما میزان دیسیونی لایحه است از آنها اخذ نمائیم و بوجه این قانون وزیر عدلیه این اختیار را در حوزة وزارت خود دارد و میتواند رئیس معاکمه و قاضی را بدون اینکه تقصیری کرده و محتاج به معاکمه باشد فقط بر حسب مقتضیات اداری و حکومتی موقتاً از خدمت معاف دارد و البته آنهم یک شرایطی دارد بنده تصدیق میکنم آقای حاج شیخ اسدالله حق دارند سوء ظن داشته باشند که اگر یک چنین حربه بوزیر عدلیه بکشند شاید آن حربه را آنطوری که باید بموقع استعمال نکرده و از آن سوء استفاده بکنند ولی اگر بخواهند اصل این قانون را تصدیق نمایند و به بنده ایراد

کنند که چرا این قانون موقتی را پیشنهاد و اجرا کرده ام و اگر بخواهند بگویند دولت و وزیر عدلیه باید از این قانون صرف نظر کنند با اینکه تصدیق دارم که مقام قضاوت را باید تأمین کرد و بایستی مسئله تغییر نایندیر بودن قضات را مستحکم داشت مهذا با مراعات یک شرایط و ترتیباتی من متقدم که بایستی قانون معافیت موقتی را همانطوریکه در ماده ۱۱۱ مرسوم است محفوظ داشت آقای حاج شیخ اسدالله یک رشته مذاکراتی راجع به ابلاغات وزارت عدلیه بیان کردند در این جا نیز برای اینکه مکرر نکرده باشم بطور مختصر عرض میکنم که صدور ابلاغات بواسطه نقصان بودن قوانین تازه بودن این قوانین و موجود نبودن یک سابقه هائی از طرز عمل باین قوانین بوده است صدور این ابلاغات حقیقه بمنزله وضع قانون نیست بلکه برای تأمین کردن طرز اجرای قانون و یا در بعضی مواقع برای تفسیر قسمت های مهم قانون بوده است همین طور که خود ایشان متذکر شدند در آن موقعی که بنده بسمت وزارت عدلیه منصوب شده تمام ابلاغات وزارتی راجع نبود و چون صدور تقاضاهائی در آن ها دیده میشد آنها را اصلاح و جرح و تعدیل کردم ولی باید این نکته را متذکر بود که بایستی این قدر هم مزاحم این ابلاغات شد تا موقعی که روی دیگری که اساس آن بر روی طول مدت اجرا نباشد تا موقعی که یک اصول دیگری در طرز اجرای قوانین تعیین نشده این ابلاغات وزارتی چندان ضروری ندارد ولی البته باید وزیر عدلیه که نسبت بآن ها حاکمیت تام دارد خیلی دقیق باشد که هیچ قسمتی از آنها با قوانین موضوعه مخالفت نداشته باشد حالا که مجلس تشکیل شده است کمیسیون عدلیه می تواند قوانین سابقه را که قدری مبهم است روشن نماید آن ابلاغات که راجع به تفسیرات و توضیحات قوانین بوده افو و زائل بشاید و این مطلب را البته باید آقای وزیر عدلیه در نظر گرفته و گمان میکنم این مطلب را بجای بتوانند حل نمایند اما راجع بطول مدت معاکمه گمان نمیکند مشکلی داشته باشد بطوره جریان یک دردی است واضح و آشکار و هیچ محل اختلاف نیست و شاید همه آقایان تصدیق نمایند منتهی شاید اختلاف در عمل آن باشد اشخاصی که در عدلیه بوده اند و ممارست در اجرای قوانین در معاکم عدلیه نمودند شاید مللی برای بطور جریان معاکمات دیده باشند که کاملاً با مللی که در خارج گفته می شود مطابقت ننمایند ولی این ملل هر چه باشد البته تفاوتی در اصل موضوع حاصل نمیشود و عدم رضایت از عدلیه و از قوانین و از قضاة عدلیه و از واضعین قوانین هیچ جای انکار نیست و باید بهر نحوی که هست جلو گیری کرد در این باب هراضی خاصی دارم که در کمیسیون عدلیه (اگر چه بواسطه متعدد بودن از عضویت آن استعفا داده ام) شخصاً حاضر شده و هراضی را عرض خواهم کرد ولی در این جا مختصراً عرض میکنم که این بطور جریان و معایب دیگر بواسطه نداشتن قاضی است تصدیق میفرمائید همین طور که مکرر این چند روزه گفته شد برای هر

کاری متخصم لازم است سابقاً هم گفته میشد در این ملکیت در امور دولتی قائل بوجود متخصم نیستند و به هر کس هر کار دولتی رجوع شود میگوید در این کار متخصم ممکن است این مسئله در قسمت های دیگر اجرا شود ولی در قسمت امور قضائی البته این طور نیست قاضی خوب باید دارای دو چیز باشد یکی دیانت اخلاقی دیگری علم قضاوت البته اگر کسی دارای این دو خصالت نباشد از راهی نمی توان قاضی گفت قاضی باید علاوه بر این دو صفت تجربه قضاوت را هم دارا باشد و این اصولی که قبل از مشروطیت معمول به مانورده است آشنائی تام پیدا کنند این اصول معاکماتی که در کمیسیون عدلیه گذشته (و اگر اشتباه نکرده باشم حاوی سبب و شصت و چند ماده است) با اندازه پیچیده و معطول است که حقیقتاً برای بصیر شدن در طرز اجرای این مواد مدت مدیدی هم لازم است پس باید تصدیق کرد که بطور جریان معاکمه بواسطه نبودن قضات کامل است اگر آقایان رفته باشند به معاکم و طرز معاکمه را دیده باشند (خصوصاً آقایانی که اطلاع به طرز معاکمه کردن قضاة خارجی داشته باشند) تصدیق خواهند کرد که چرا در اینجا معاکمه طول می کشد مخصوصاً بقول آقای مشیرالدوله که فرمودند تقریر نویسان معاکمه که باید مطابق قانون تمام مذاکرات و آو کاوت تمام مذاکرات متداعبین را بنویسد حتی بقدر تند نویسان خودمان که اینقدر با آنها ایستاد میکنیم نیستند و خیلی دورند که باین اندازه هم تند نویس بشوند باین جهت وکیل حقوقی کلمه بکلمه شمرده و روشن حرف میزند مثل اینکه دیکته میکنید و تقریر نویس هم کلمه بکلمه مینویسد معلوم است با این ترتیب و خصوصاً با این که اغلب وکلای ما صرفه خود را در طول معاکمه میدهند چه انتظاری باید داشت البته این نظریه را بشام وکلای حقوقی نسبت نمیدهم زیرا در ضمن وکلای حقوقی ما البته اشخاصی هستند که مثل بهترین وکلای اروپا میباشند اما دیگران هم هستند که بواسطه جهالت و یا بواسطه عدم لیاقتشان معاکمه را بی اندازه طول میکشند و خیلی مبل دارم آقای وزیر عدلیه در این باب بیشتر وقت نمایند و جلوگیری کنند از اقدامات آنها که خیلی مبل دارند از طول معاکمه استفاده کنند و به همین جهت بعنوان مخالف معاکمه را از یک جلسه جلسه دیگر که بیست و یاسی روز دیگر تشکیل میشود می انمازند و نتیجه این میشود که متداعبین بچهاره بکسال دو سال سه سال معطل میشوند عرض از ذکر مختصر این بود که دانسته شود قسمت عده بطور جریان بواسطه نواقص کار است و رفع این نواقص تدبیری الوصول است و نمیشود آن را بعرف وضع قانون رفع نمود شما هر قدر در کمیسیون عدلیه و وزارت عدلیه و مجلس شورای ملی قوانین پیشنهاد و وضع کنید یک قاضی کامل نمی تواند داشته باشید قاضی علاوه بر تحصیل مدنی عمل برای او لازم است ملاحظه کنید الان در وزارت عدلیه بواسطه این طول مدت و معطول ماندن این اصول یک عده از قضاتی پیدا شده اند که حقیقتاً آنها موجب انتخاب هیئت قضائیه هستند و بایستی نسبت بآنها قدر شناس باشیم و البته بررور ایام این نوع اشخاص زیاد خواهد شد در این

موقع لازم است راجع به مدرسه داخل مذاکراتی شوم وقتی تصدیق فرمودید که برای قاضی تحصیل لازم است و موقعی که تصدیق کردید برای تشکیلات جدید ما که کمیسیون های عدلیه سابق تصدیق کرده اند قاضی های مطابق این تشکیلات لازم است و موقعی که یکی از اصول سیاست خارجی ما یکی از آمل و آرزوهای ملی ما لغاء کابینة لاسیون است ما باید یک قاضی هائی برای این ملکیت تهیه و تربیت کنیم که دارای هر دو جنبه باشند یعنی اول جنبه قضاوت شرعی دوم تحصیلات جدید که آشنائی کامل بتجربیات قضائی اروپائی تا از آنها بشود استفاده نمود برای این کار در نظر گرفته شده بود که یک مدرسه تأسیس شود اگر چه این مسئله مربوط باین ماده نیست ولی چون آقای تدین درآمده مربوط به مدارس این مدرسه را تاورچه تنقید کردند (اگر چه بیشتر نظرشان به تکمیل مدرسه سیاسی بود) لذا عرض می کنم سابق در مدرسه سیاسی حقوق مدنی اروپائی و حقوق بین الملل و اصول علم مالیه و علم اقتصاد و اصول اداری تدریس می نمودی چون این مدرسه مدرسه ابتدائی و متوسطه و عالی بود بالنتیجه بواسطه این احتیاط مدرسه ناقص میشد در صورتیکه از بنو امر که این مدرسه تأسیس شده کلبه نظر مؤسسين این بود که این مدرسه یک مدرسه متوسطه و عالی باشد و در ضمن یک درس حقوق بین الملل و تاریخ دیپلماسی و بعضی از مسائل حقوقی هم گفته شود تا برای وزارت خارجه تهیه اجزائی بنماید و چنانکه ما می بینیم حقیقتاً یک عده جوانهای ما خیلی خوب از این مدرسه بیرون آمدند و امروز همانها بهترین قسمت اجزای وزارت خارجه را تشکیل داده اند ولی چون بعد ها دیدیم این مدرسه تغییر وضع پیدا کرده و از آنجا شاگرد پنج شش ساله هم قبول و دروس ابتدائی نیز تدریس میشود (و ضمناً علم اصول معاکمات حقوقی و اصول مالیه نیز تدریس میشود لذا خواستم با عطف توجه به نکته که آقای وزیر معارف فرمودند که ما مدرسه متوسطه حقیقتاً در تهران نداریم این مدرسه را یک مدرسه متوسطه بکنیم که در آنجا قسمتهای ادبیت و عربیت بیشتر تکمیل شود و نیز در دو سال آخر یک قسمتی از فلسفه اروپائی تدریس بشود زیرا مسئله اروپائی برای تحصیل حقوق لازم است و در عوض یک مدرسه دیگری تأسیس کنیم مخصوص در روس حقوقی و برای آن معتمدین از خارج تهیه کنیم تا اینها را که از آن مدرسه فارغ التحصیل می شوند محتاج به رفتن اروپا نشوند و گفتیم مدرسه سیاسی به اول این مدرسه باشد یعنی شاگرد وقتی از مدرسه سیاسی دیپلم گرفت بموجب همان دیپلم بدون امتحان داخل مدرسه حقوق شود و پس از آنکه دوره سه ساله یا پنج ساله آنجا را طی کرده و اصول قوانین شرعی و اروپائی را بطور کامل دید آنوقت با دیپلم این مدرسه داخل وزارت عدلیه شده و بسمت قضاوت عدلیه پذیرفته شود و از برای وزارت خارجه نیز تهیه اجرا شده باشد حالا از فراری که امروز تحقیق کردم این مدرسه در جریان است و یک دوره دو ساله را طی کرده و بیست و هشت نفر شاگرد فارغ التحصیل دو ساله دارد و البته این مدرسه فعلاً کامل نیست و بایستی کامل شود و نیز

تصدیق دارم که قسمت فقهی و قسمت اصول فوائین شرعی مفصل تر از این که تاحال گفته شده بایستی در این مدرسه تدریس شود بنده تصور میکنم برای اصلاح عدلیه و برای تهیه کردن قضاة خوب بایستی اساس این مدرسه تقویت شود و باید پروگرام این مدرسه را از حیث فوائین شرعی و ادبیاتی تکمیل بکنیم و باید کلاسی بکنیم که وقتی شاگردان این مدرسه فارغ التحصیل می شوند بقدری خوب تحصیل کرده باشند که بشود با آنها اعتماد اطمینان داشت و کمتر احتیاج بخارجیها داشته و ضمناً اشخاصی که در ادارات داخل میشوند از روی اصول اداری تهیه شده باشند اینک گفته شد این مدرسه کلاس اکابر است بنده تعقیق کرده و چون رفع این شبهه لازم است عرض میکنم که این مدرسه کلاس اکابر نیست زیرا در اصلاح کلاس اکابر به مدارس میگوئیم که در آنجا برای ورود و خروج قبلی از جهت امتحان دادن و دیلم گرفتن موجود نباشد این مدرسه اینطور نیست این اشتباه از این جا ناشی شده که بنگرند بعنوان مستمع آزاد در این مدرسه داخل و قبول شدند باید دانست که این قسمت خارج از شاگردان رسمی این مدرسه اند اینها بدون داشتن دیلم و گذشتن از امتحان داخل این مدرسه شده اند و اینها بعضی از اعضای وزارت خارجه و وزارت عدلیه و ادارات دیگر هستند که بعنوان مستمع آزاد فقط بعضی استفاده های عامی پذیرفته شده اند پس بایستی این اشتباه اگر از این جا ناشی شده رفع شود ولی نسبت به شاگردان مدرسه عام معامله که در تمام فاکتورهای اروپا نسبت به شاگردان معمول است اجرا میشود این اشخاصی که برای تحقیقات عالی حقوق و فلسفه به آنجا میروند یا دیلم مدرسه سیاسی هستند و یا بواسطه امتحان خاصی پذیرفته شده اند چنانکه دوازده نفر از بیست و هشت نفر دیلمه های امسال مدرسه حقوق فلان دیلم مدرسه سیاسی را دارا بوده اند باز عرض میکنم البته این مدرسه هنوز ناقص است ولی باید سعی کنیم تکمیل شود و برای اینکه آقای تدین فرض نکنند بنده منکر حصول مرکزیت هستم عرض میکنم هر وقت مبادارای یک دارالفنون عالی صحیح کاملی شدیم که وزیر معارف چنانکه در مالک دیگر مرسوم است رئیس کل آن دارالفنون شد در این صورت مدرسه حقوق راهم میشود گفت ضمیمه مدرسه دارالفنون باشد و اگر در موقع تأسیس ما آن را مستقل نموده ایم و در تحت نظر وزارت عدلیه قرار داده ایم برای این بوده است که بیشتر مورد توجه باشد علی الخصوص برای این بوده است که ریاست آن در عهد مسیورینی قسمت مستشاری وزیر عدلیه را دارد قرار داده شود و در این موقع از نقطه نظر قدر شناسی نیخواهم عرض کنم که آقای مدرس چند روز قبل در ضمن اینکه از مستشاران و مستخدمین خارجی که خوب کار کرده بودند تمجید و از آنها بی که بدکار کرده بودند تکذیب نمودند گویا اسم مسیورینی از نظرشان محو شده و در موقعی که فصل حقیقی مکافات را در پشت این تریبون خواستند منعقد شوند اسم مستشاران را نبردند در صورتی که مسیورینی از اشخاصی است که در این مملکت شوب خدمت کرده و آقایان مشیرالدوله و

مدرس نیز تصدیق دارند که مسیورینی از نقطه نظر قانون تشکیلات عدلیه باین مملکت خدمت نموده و هیچ وقت هم اسباب دردسر برای وزراء دولت نبوده هیچ وقت اختیارات نخواست هیچ وقت در امور قضائی ما مداخلاتی نکرده و بایستی هم بکنند زیرا من معتقدم فقط نقطه که محتاج به مستشار خارجی نیست همان معاکم قضائی است و البته در اجرای قضاوت ما هیچ وجه خارجی نباید دخالت بکنند و مسیورینی در همان حدودی که همیشه مراعات کرده در یک مدت مدیدی برای تدوین قوانین برای عدلیه هستند لازم داریم مسیورینی از اشخاص صحیح العمل است باین لحاظ خود را مجبور میدانم که در این موقع این قدر شناسی را بکنم و در خانه دو کلمه هم در جواب فرمایشات آقای شیخ اسدالله نسبت به مکاتم اداری در وزارت عدلیه و مجلس مشاوره عالی عرض میکنم که مجلس مشاوره عالی مخصوص امروزه که بواسطه صلاحیت اعضائی که در آن جا عضویت دارند از برای وزارت عدلیه معتقد است ایشان فرمودند یک راپورت های تهیه میگرد و وزیر وقت این راپورتها را به مجلس مشاوره عالی میفرستد بنده میگویم هر روزی این کار را کرده است خیلی بد کرده است راپورت وقتی تهیه شود قضائی و فنی که تصدیق کرد البته باید به مجلس مشاوره عالی رجوع شود و قبلاً مجلس مشاوره عالی هم وظیفه خود را بر دوشی و در وقت از روی اطلاع در عدلیه انجام داده و خواهد داد بنده تصور میکنم که آقای حاج شیخ اسدالله از آن دوره که بنده وزیر عدلیه بودم شکایتی نداشته باشند زیرا در آن موقع بنده اغلب اوقات با اعضای مجلس مشاوره عالی برای رسیدگی راپورت های واصله زحمت میدادم و اغلب هم بکنتایج خوبی از آنها گرفته میشد

رئیس - آقای محقق العلماء (اجازه نماند)

محقق العلماء - يك قسمت از بعضی که می خواستم عرض کنم خاصه درسه ماده که آقای حاج شیخ اسدالله فرمودند البته اگر مجازات باشد قانون عدلیه بهرین میافتد و چیزی را که می بینیم آقایان نمایندگان مکرر میفرمایند تنفر عامه مردم است از عدلیه مرکز و ابالات و ولایات البته این تنفر از قانون نیست بواسطه اینکه در وضع قانون زحمتهای کشیده شده که در مملکت يك قوه قضائیه تأسیس شود که در مقابل ملل عالم يك رسمیتی داشته باشد و جلوه مملکت هم بواسطه آن بوده باشد پس معلوم می شود عروبی که بر عدلیه هارص شده سبب تنفر ملت است حالا که هیئت معترم دولت سعی هستند داخل در اصلاحات در مملکت بشوند باید آن عیب را به بیند و علاج کنند بنده می بینم در یک مملکتی غیر از طهران و کلای عدلیه طهران که بادیات هستند از نقطه دیگر و کلی را معرفی میکنند که ملکی راه بدلی کثرات میکند و بعد عدلیه رفته بعد از دوام معاکم ملک زید راه عمل میدهند پس باید بفهمند که این عیب از چیست و چه باید کرد که این عیب رفع شود یکی دیگر اینکه رئیس محکم يك ماده قانون را بطور دلخواه خود مثل لاسیتیک بهر طرف که میخواهد میکشد و حکم میدهد و بهر طور برای دیگری بطرز دیگر تفسیر نموده و حکم میکند در ولایات قانون برای فقیر و غنی فرق میکند و آن این است که درباره فقیر

حکمی که صادر میشود زود اجرا میکنند و اگر يك نفر غنی معکوم شود اجرای سالها میماند پس علت دراصل قانون نیست ولو اینکه تکمیل لازم است و ممکن است اگر بخواهند تجدید نظری میکنند چه شده که اجرای این قانون برای آن شخص مقتدر سالها باید در بوته اجمال بماند و برای شخص فقیر فوراً اجرا شده و خانه اش را خالی کنند و توی سری هم باو بزنند

رئیس - مذاکرات را آقایان کافی میدانند (بعضی گفتند کافی است)

رئیس - دو باره رای میکنیم آقایانی که مذاکرات را کافی میدانند قیام فرمایند و غلبه قیام کردند

رئیس - معلوم میشود کافی نیست - آقا سید یعقوب (اجازه نماند)

آقای سید یعقوب - بنده عرضم این است که ابدآدر مجلس شورای ملی نباید صحبت از نخستین کابینه سید ضیاء بشود و اما مسئله دیگر که شاهزاده نصرت الدوله تجدید از مستشار عدلیه کردند اشخاصی که بعد از رفته اند مطلع هستند فقط روزی ۲ ساعت بعد از آمدن بعد تشریف میبرند چیز دیگری بنده از ایشان ندیده ام و نیز از وزیر عدلیه مستعفی هستم کاری بکنند که سبب سرعت جریان احکام بشود مسئله راهم که میگویند قضائی باید تغییر بکنند و مأخوذ از قانون اروپا آنها است اگر از احکام خارجی ما مطلع بودند این را نمی گفتند قضائی باز درازده شرط را باید دارا باشد که یکی از آن شروط ملکه عدالت است مسلم است بعد از آنکه دارای ملکه عدالت باشد دیگر ممکن نیست او را تغییر بدهند من از خود اشخاصی که وزارت عدلیه را دیده اند تصدیق میخوام که آیا کسی را دیده اند که قریب العداله باشد من گمان میکنم نیست پس باید ماده قانونی که قضائی را نباید تغییر داد نظری کرده و شرایطی بآن ضمیمه نمایند که قضائی هامتقده نباشند که نباید دست از صندلی خود بردارند

رئیس - آقای مدرس (اجازه)

مدرس - با آنکه نیخواهم در موضوع پروگرام که زیاد طول کشیده مذاکره کنم ولیکن بدبختانه مناجاه میشود آقایانی که مذاکره فرمودند همه اهل خبر هستند ولی بدبختانه با خوشبختانه انجام که واقعه را شرح دهم

چند سال قبل که من بهر آن آمدم بعد از ۶ ماه خواستند وزیر برای عدلیه معین کنند بنده که معرفت کاملی نداشتم پرسیدم کسی که بادیات و برای اینکار مناسب باشد کیست گفتند آقای مشیرالدوله ولی ایشان قبول نمیکنند بنده يك شبی که باران هم میآید بهرم منزل ایشان حرکت کردم چون کوهها گل و اسباب زحمت بود کفش هایم را از پایم بیرون آورده و رفتم وقتی خدمت ایشان رسیدم عرض کردم چرا قبول نمیکنید فرمودند عدلیه که قانون ندارد وزارتش معنی ندارد تصدیق کردم و ایشان عرض کردند ممکن است آن شاهنشاهی که در عرض چند ماهی قانونی ترتیب داده شود

و با اینکه شاید از امثال من استفاده میفرمودند استعفا کردم قبول بفرمایند در عرض سه چهار ماه قانونی نوشته شود فرمودند اگر قانونی نوشته شود باشکالات و محظورات بر میخورد عرض کردم بنده چندماه بیشتر نیست بهر آن آمدم ولی بشما قول میدهم قانونی نوشته بشود که تمام ملل و ملایه ای که در دنیا هست میتوانند ایراد کنند عدلیه اسلام هم ایراد بکنند ولی از طرف مفرضین طهران قول ندیدم بالاخره ایشان تشریف آوردند بعضی از آقایان هم در کمیسیون عدلیه بودند ۷-۸ ماه در این مسئله زحمت کشیدند حتی شبها در منزل بنده و در منزل خودشان هم مشغول بودیم تا قانونی نوشته شد عرض میکنم دو فقره قانون نوشته شده است که یکی همین قانون مکاتم حقوقی است و دیگری قانون اوقاف انشاء الله آقای مشیرالدوله عمر طبعی خواهند کرد ولی خود من گمان نمیکنم عمر کفایت کند و یقین دارم تا زنده ام اینطور قانون نخواهم دید و یقیناً مثل این دو قانون تأیست ستل دیگر هم از مجلس نخواهد گذشت راجع به مسئله قضاوت و حکومت قانون اساسی با فرموده مرجع نظامات عمومی وزارت عدلیه است در این سیاحت جدید دوجیز باید محفوظ بماند یکی ماهیت مطالب یکی کیفیت جریان آن مطالب اما ماهیت مسائل حقوقی و جزائی همان است که در قانون اسلام هست و امکان ندارد بقدر يك خشخاش از آن کم و یا زیاد بشود اما راجع بکیفیت اجرای آنها وضعیات دنیا ما را متنبه کرد که کیفیت اجرا و طرز اداره باید وضع سایر نقاط دنیا باشد که مردم بگویند ما هم داخل در وضع شده ایم البته باید کیفیت جریان اداره را مثل سایر دنیا و بلکه اکتل کنیم در اسلام هم این ترتیبات بوده دفتر بوده دوسه بوده حتی در زمان خلفاء ما نیز قضائی تغییر می کرده است قضائی جدید رجوع بدوسه می کرده هم ثابت بوده و هم ضابط بوده هم شکایت از قضائی داشته اند ولی بدبختانه در زمان استبداد اولیای امور همیشه هنرشان این بود که با اهل عالم بچکنند و قریب دویست سال باینطور تا زمان مشروطه این که نظر موافق شد این مطلب را هم بگویم که آقای نصرت الدوله وجودشان در کمیسیون عدلیه لازم است و باید از کمیسیونهای دیگر استفاده کنند و در کمیسیون عدلیه حاضر شوند و آقای مشیرالدوله هم باید این امر را مقدم بدانند برای اینکه اگر نظر ما اصلاح بامور قضائی باشد باید نظریات مختلف در آنجا مرکزیت پیدا کند و اشخاصی که اهل خبره هستند در آن کمیسیون باشند آقایان مشیرالدوله و نصرت الدوله هم اگر کسی را سراغ دارند بفرمایند برای اینکه آنها از ترتیب قضاوت اروپا مستعززند و ما هم از قواعد مذهبی خودمان چنانچه عرض کردم باید برای قوانین قضائی ما هیئتی را از قواعد مذهبی خودمان اخذ کنیم و کیفیت اجرای آنها را از قوانین کبیه عالم از آقایان سؤال میکنم که اگر شخص من یا آقای آقامیرزا ظاهر و یکنفر دیگر مثل ما برویم بیاریم و در محکمه بنشینیم و در موقع زنک هم حاضر شویم آیا يك معاکم که يك بولی می توانیم بکنیم و همچنین اگر سه نفر قضائی آن مملکت که درجه دکتری داشته باشند بیایند در مملکت ما می توانند قضاوت کنند

خیر ؟ چرا ؟ برای اینکه حقوق عمومی آن مملکت بندد این مملکت نمی خورد و هم چنین با يك کتاب شرایع خواندن هم نمیشود قضاوت کرد ترتیبی را که ما با آقای مشیرالدوله اتخاذ کردیم برای این بود که امروز هر مجتهد عادل و فاضلی که بکرسی قضاوت می نشینند از روی قانون و مطابق ترتیب اداری معاکم کنند انصافاً هم اگر اعتراض نفرمایند يك دوسالی هم که عدلیه در تحت نظر آقای مشیرالدوله بود خوشبختانه ترقی کرد میخوام يك مثلی بزنم چهل سال قبل از این وقتیکه من بکسب میرفتم هنوز چاپ بهر دومی در این مملکت باین فراوانی نبود يك قرآن خطی داشتیم هر کلمه را که یاد نمی گرفتیم آن کلمه را باک میکردم عصر که نزد استاد میرفتم می خواستم بخوانم می گفتیم این کلمه يك شده وزارت عدلیه وزارتخانه فنی است علم لازم دارد منشی و ثبات و ضابط حتی مأمور اجرای آنجا هم باید عالم باشند در فنان هم ملاحظه این نکته شده و صاحب منصبان اجرا باید امتحان بدهند و صاحب منصب اجرای وزارت خارجه بکار عدلیه نمیخورند تباتی که کلمه با (ز) را با (ضاد) می نویسند بکار نمیخورد این وزارتخانه علم میخواد ولی از آنجا که در این مملکت رسم است هر شغلی را هر کس تکلیف کنند میگوید بلد نیستیم فیر از شغل وزارت (چون تا حال اتفاق نیفتاده است بکسی تکلیف وزارت کنند و بگوید بلد نیستیم) بهمین دلیل وزرائی که روی کار آمدند چون این قانون را ملتفت نمی شدند عیناً مثل کلمه قرآن من میشد هر روز چند کلمه آنرا تقاضای توفیق می کردند و در روزنامه اعلان میکردند که این مواد موقوف الاجرا باشد و يك شرحی نوشته اسم آن را ابلاغ میکنند و حال آنکه مفسرینش در طهران بودند خوب بود می آمدند از بنده می آقا مشیرالدوله می پرسیدند معنی این ماده چیست و هم چنین قانون اوقاف که باین خوبی است هر روزی آمده يك ابلاغیه نوشته و بقانون ضمیمه کرده و قانون را خراب کرده اند انشاء الله تمام آن ابلاغات را در کمیسیون خواهم آورد حالا آقای نصرت الدوله بعضی از آنها را شرح می دادند شاید بنده بآنها رجوع نکرده باشم قانون باید حاکم باشد و وضع آن از وظایف مجلس شورای ملی است اگر امروز که مجلس هست يك قانونی محتاج باصلاح و شرح باشد البته باید بمجلس رجوع کنند نه اینکه هر جا را نمی فهمند خودشان تغییراتی داده و يك ماده اضافه کنند بنده نمیگویم این قانون تکمیل نشود ولی بشما قول می دهم این قانون تا بهال اجرا نشده البته اگر درست اهتش باشد و در موقع اجرا بموانعی برخورد باید اصلاح شود و اما اینکه وزیر باید دارای يك اختیاراتی باشد عرض میکنم تمام زحمتهای برای این است که وزیر اختیار نداشته باشد والا ما اینجا چکار می کردیم وزیر باید مجری قانون باشد آقای نصرت الدوله میگویند من چیزی ندانم بلی شاید یک قدری هم می دانند ولی ابلاغات وزیر دیگر را ببینند که اگر يك ماده قانون را از او ببرند بلد نیست چون نمی فهمند آنوقت ابلاغ صادر میکنند بعد از اینکه رجوع باین ابلاغات شد خواهیم فهمید مطلب

همین طور است که عرض میکنم علاوه بر این بنده میگویم وزیر اگر عالم هم باشد در قیام مجلس شورای ملی نباید خودش يك قانونی وضع کند همین کارها است که افتتاح مجلس شورای ملی را عقب انداخته می گویند ما مجلس نیخواهیم ما خودمان قانون جزای عرفی وضع میکنیم اگر خودشان را محتاج می دانستند در افتتاح مجلس شورای ملی سعی میکردند البته وقتی بنا باشد هر روزی ابلاغ صادر کند و قانون وضع کند دیگر مملکت مجلس شورای ملی نمیخواهد لذا بنده منکرم که وزیر هر چند عالم هم باشد دخالت در وضع قانون بکند ماهیت قانون هم باید بر جای خودش باقی باشد اگر تمام علوم اروپا را هم بیادوریم و بخواهیم قانون وضع کنیم معق است زحمت پیورده است و شباهت بقانون ما ندارد ماهیت قانون حقوقی و جزائی ما انشاء الله در کمیسیون میرهن خواهد شد که یکی از آنها حفظ حماء است کسیکه بفلان شخص چند گلوله می زند و اسمش را تیر باران می گذارد هرگز نمیتواند متکسر نگه بدارد شود اما در مسائل دیگر که فرمودند میخوام عرض کنم که اشتباه نشود البته حفظ حقوق عمومی غیر از حقوق بین المللی است البته حقوق بین المللی راهم همه باید بدانیم خواهش می کنم نه اشخاصی که مطلع هستند ترجمه کنند که تمام اطفال مأمور آن را بدانند ولی اصل مطلب این است که این مدرسه حقوق شما مدرسه نیست انشاء الله محصلین آنجا را هم در کمیسیون خواهیم خواست و می بینیم در این دوسال چه کردید چون قبلاً این مطاب را فهمیده ام با نتیجهت عرض می کنم قضاوت این مملکت علم حقوق این مملکت را لازم دارد و برای اینکار استاد لازم است من متکرم علم نیستیم البته خیلی خوب است سایر علم راهم بدانند نافع است علم هر چه در هر کجا باشد برای هر کس بخواهد زندگی کند لازم است پس می خواهم عرض کنم رفع نواقص باین مصالحتی که گفته شد نیست رفع نواقص باین است که اشخاص عالم که این قوانین را خوب ندانند و بتوانند عمل کنند باید انتخاب شوند یعنی از در امتحان علمی و اخلاقی وارد شوند و از در مجازات و محکومیت در مشاوره عالی خارج شوند اینک میگویند عالم بعقود در این مملکت نداریم بطور نداریم ؟ بگویند نخواستیم داشته باشیم البته حالا که نمیخواهید داشته باشید عدلیه هم اصلاح نمیشود بنده می گویم قضائی باید عالم بعقود عمومی مملکت و مجتهد باشد قانون اداری را هم بدانند و بقول اشخاص جدید در تحت دیسپلین اداری هم باشد آشنائی بوضع دنیا داشته باشد ولی جاهل که شد نمی تواند قضاوت کند در دوسه را جلو او بگذاریم می بینیم از سطر اولش خطا میکند راهی را که باید راست برود کج میبرد هر چه کج برود دوسه ده ورق صد ورق بلکه هزار ورق میشود

موقعی که ما با آقای مشیرالدوله این قانون را می نوشتیم ابتدا احتمال نمیدادیم معاکم از سه جاسه بیشتر بشود حالا سه سال طول میدهند و هر چه کمتر برود زیاد تر طول میکشد مسئله را هم که آقای نصرت الدوله راجع بمسیورینی فرمودند اگر چه بنده

نیروهای داخل شخصیات بشوم و بمتخصصین هم مقدم و از مسویرین هم خیلی متشکریم که ضروری مملکت ما نزدیک و ولی وقتی که تشریف آوردند دوره قوانین گذشته بود و ایشان فقط آن قوانین را انشاء کردند دیگر از ایشان کاری ندیدیم همین اندازه هم باید از ایشان ممنون بود که ضروری هیچ جای مملکت وارد نباورده اند و حال هم متعصب شده اند.

رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله (اجازه)
حاج شیخ اسدالله - عرض ندارم.
رئیس - آقای منتصرالملک (اجازه)

منتصرالملک - راجع باصلاحات عدلیه از هرجهت مذاکرات شد و مقاصد و معانی را آقایان فرمودند فقط موضوع گفتگو راجع بهطالی است که از برای حسن جریان مجادلات و اصلاحات عدلیه لازم است البته مطالبی را هیئت دولت در نظر گرفته اند و بوقع پیشنهاد خواهند کرد ولی یک نکته را خواستم عرض آقایان برسانم که بهترین وسیله برای جلوگیری از وقوع منازعات و منافات احداث این معایب و مقاصد است و آن این است که دولت یک اقدامی بفرماید که اصلا مناصات و منازعات کمتر در مملکت واقع شود و آن وجود امنیت در مملکت و حفظ امتیاز اعیان و اسناد است خواستم مسئله ثبت اسناد را متذکر بشوم و البته خاطر آقایان مستحضر است که در تمام دنیا یعنی اغلب نقاط این مسئله جاری است که کلیه معاملات خود را به ثبت دولتی میرسانند و همان اوراق اجازه و استیجاره و غیره را که به تیر دولت میرسانند کاملاً معتبر است اگر هیئت محترم دولت قانون ثبت اسناد را تعقیب کنند و توسعه دهند که اگر یک مطلب در آن اداره بتیور دولت برسد حتماً دولت خودش را مکلف باجرائی آن بداند و طوری نباشد که یک دعای متوجه آن اسناد نشود و اگر اینطور شود البته از حدوث مشاجرات و منازعاتی که باعث زحمت دولت است جلوگیری خواهد شد.

رئیس - آقای سردار معظم پیشنهاد کرده اند که مذاکرات کافی است بایزیر دفعه دوم رأی میگیریم آقایانی که مذاکرات را کافی میدانند قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - مذاکرات در بقیه پروگرام میماند برای جلسه دیگر آقای مستشار السلطنه از آقای وزیر امور خارجه سؤالی دارند.

مستشار السلطنه روابط موجود بین دولت ایران و روسیه اجازه میدهد که این سؤال را از آقای وزیر خارجه بکنم راجع برعاری ایران با کتین روسیه علی الخصوص تجار و بالاحسن آنها میگویند مجبور شده اند ترک مایملک و علاقه خودشان را کرده و مسافرت بایران نمایند میخواستم بدانم اقداماتی فرموده اند یا شیر؟

وزیر امور خارجه - در این مسائل با آقای ممتازالدوله که مأمور خارجه شده اند تعلیمات کافی داده شده است و همینقدر که وارد قفقاز شدند راجع به این فقرات اقدامات خواهد شد.

رئیس - آقای فہیم الملک از آقای رئیس الوزراء سؤالی دارند.

فہیم الملک - از طرف آذربایجان مدتی است اخبار مختلفی می رسد و با علاقه مندی که مجلس از اول افتتاح بآذربایجان دارد که وکلای آنجا هر چه زودتر معین شوند و کمیسیون هم برای رسیدگی بانتخابات آنجا معین نموده اند معین تا کتون اثری ظاهر نشده حتی دوسیه های انتخابات آنجا هم هنوز نیامده خواستم ببینم اقداماتی راجع بانتخابات وکلای آذربایجان فرموده اند که زودتر حاضر شوید و آنها با ما و ما با آنها در خانه دادن اوضاع ناگوار آنجا که همه واقف هستند کمک کنیم و استعداد میکنم توضیح بفرمائید تا بحال چه اقدامی برای خواستن دوسیه ها کرده اند و با وجود اینکه چهار ماه است مجلس هم تا یکدک درجه شده که هنوز دوسیه ها رسیده در صورتی که واقعه انتخابات آذربایجان باید خیلی زودتر از این انجام گرفته باشد و ما نمی دانیم چه وقت موفق خواهیم شد که وکلای آذربایجان را در مجلس شورای ملی ببینم و برای این قسمت از مملکت که همیشه دچار این همه مضطربات است بتوانیم مدتی اوقات خودمان را صرف کنیم شاید آسایش برای اهالی آنجا فراهم شود.

رئیس الوزراء - جواب کتبی بعد عرض می کنم.

رئیس - شاهزاده سلیمان میرزا (اجازه)
سلیمان میرزا - سؤالی از آقای رئیس الوزراء داشتم اگر حاضر نیستند به جلسه بعد می گذارم.

رئیس - راجع به این موضوع است
سلیمان میرزا - بلی مطلب دیگری راجع به معانیجاء

رئیس - (خطاب به آقای رئیس الوزراء) برای جواب حاضر هستید

رئیس الوزراء - سؤالشان را بفرمایند
سلیمان میرزا - سؤال بنده راجع به آذربایجان بود مطلبی که مذاکره شد یکی راجع به انتخابات آذربایجان بود که بنده هم در کمیسیون تحقیق انتخاب آذربایجان عضو هستم یکی هم راجع با امنیت آنجا بود سؤال بنده راجع بقسمت دوم بود و میخواستم تحقیق کنم که این آذربایجان بلاذیه تا کی باید گرفتار باشد و تا کی باید امیدوار بود که اهالی آذربایجان روی امنیت را ببینند متوقع هستم یک توضیحات کافی اگر ممکن است مرحمت کنند که معلوم شود این قسمت از مملکت ماناچه وقت دچار شکستار و خونریزی خواهد بود

رئیس - میماند برای جلسه دیگر
رئیس الوزراء - بلی بعد جواب عرض میکنم.

رئیس - آقای وزیر مالیه برای جواب آقای حاج شیخ اسدالله حاضر هستید

وزیر مالیه - سؤالی که یریشب آقای حاج شیخ اسدالله فرمودند راجع بازادحام مردم در کاکین

خیابانی بود بسیار تحقیقات معلوم شد که چون تا اول عقرب قرار بودند یکم دو قران فروخته شود و در اول عقرب دو قران و یک عبا سی بعضی از خیاباها این طور در نظر گرفته بودند که این گندم را نگاهداشته بعد از عقرب که دولت به آنها گندم را خرواری بیست و سه تومان می دهد بفروشند و فایده ببرند و چون ازدحام میشد از طرف ریاست وزراء عظام با اداره ارزاق حکم شده بود که روزی بیست خروار بر گندم مصرف شهر اضافه نمایند و گمان فرموده بودند این ازدحام از برای قلت گندم است در صورتیکه همان دو بیست و شصت خروار گندمیکه با آنها داده میشود برای ارزاق شهر کافی است که بالاخره معلوم شد بعضی از خیاباها نظر باستفاده آبگرمی خواستند بکنند یک مقداری از آن گندمها را نگاهداشته بودند که بعد از عقرب نان آنرا از برای یکم دو قران و یک عبا سی بفروشند ولی از این مسئله جلوگیری شد و بعد از این در دکان کین خیابانی ازدحام نخواهد شد.

حاج شیخ اسدالله - این توضیحی که نسبت به خیاباها داده شد خیلی بوقع است ولی بنده در تعقیب سؤال خود عرض میکنم اداره ارزاق باین همه طول و عرض توسعه که پیدا کرده است باین همه متشنج چگونه غفلت کرده اند و خیابان یک چنین عمل نامشروع را مرتکب شده اند چه شده است که نه ایورت داده اند و نه اداره خیاباها در صدد تعقیب برآمده و مردم را اینطور دچار زحمت کردند که بنده مجبور شدم از یک وزیر محترمی در مجلس شورای ملی سؤال کنم.

وزیر مالیه - همه آقایان تصدیق میفرمایند که ناچند روز قبل وضع نان شهر خیلی خوب بود و هیچ ازدحامی هم نبود در این چند روز اخیر که فراز شد قیمت نان زیاد شود این ازدحام فراهم شد و اداره ارزاق هم موقعی که فهمید جلوگیری کرد بعد هم جلوگیری خواهد شد.

رئیس - باره مسائل داخلی است که باید به عرض مجلس برسد و تکلیف معلوم شود یکی راجع بانتخابات غار و فشانویه است چون نمیشود بشبه رجوع کرد باید بروی یک کمیسیونی اگر آقایان موافق باشند به کمیسیونی که چند روز قبل از شعبات معین شده رجوع بشود

(جمعی تصدیق نمودند)
آقای شیخ ابراهیم زنجانی از عضویت آن کمیسیون استعفا داده اند شبه ششم پس از ختم جلسه باید منعقد شود و یک نفر دیگر بجای ایشان انتخاب نمایند آقایانیکه برای کمیسیون نظام معین شده اند از این قرار است.

آقای امیر ناصر - آقای فضل فرخان - آقای سردار معظم کردستانی - آقای سردار مخم - آقای سها السلطان - آقای آسید یعقوب - کمیسیون معارف - آقای تدین - آقای محقق العلامه - آقای حائری زاده - آقای صدر الاسلام - آقای امین الشریعه - آقای شریعتدار کرمانی .

کمیسیون داخله - آقای احتشام الدوله - آقای منتصرالملک - آقای عدل السلطنه - آقای قبل السلطنه - آقای نصر دوان - آقای آصف الملک - آقای بیان الدوله - آقای کازرونی

این سه کمیسیون باید بعد از ختم جلسه منعقد شود و هیئت رئیسه خودشان را هم معین کنند و روز سه شنبه صبح رؤسای کمیسیونها تشریف بیاورند و ایام انعقاد جلسات خودشان را معین کنند.

رئیس التجار - کمیسیون داخله فرموده بود ۱۲ نفر اینکه اسم بریدید ۸ نفر بود.

رئیس - هشت نفر اکثریت پیدا کرده اند . دستور جلسه آینده روز سه شنبه دوساعت بفروب اولاً شود در بقیه پروگرام هیئت دولت ثانیاً شور در قانون مالیه اگر وقت شد شور در ماده دولین ایران و چون آقایان مخالف نیستند ؟

(اظهاری نشد)
مجلس سه ساعت از شب گذشته ختم شد

جلسه ششم
صورت مشروح مذاکرات یوم شنبه ۲۳ صفر ۱۳۴۰
مطابق دوم عقرب ۱۳۰۰

مجلس مقارن مغرب در تحت ریاست آقای مومن - الملک تشکیل گردید صورت مجلس یوم یکشنبه ۲۱ صفر آقای تدین قرائت نمودند

رئیس - نسبت بصورت مجلس اعتراضی هست
میرزا ابراهیم قمی - بنده علاوه بر دار - الترجحه تأسیس اکادمی را هم معتقد بودم در صورت مجلس ذکر نشد

رئیس - دیگر اعتراضی نیست - اظهاری نشد صورت مجلس تصویب گردید دستور امشب :

اولاً بحث در بقیه مواد پروگرام هیئت محترم دولت ثانیاً بحث در ماده واحد راجع بتشکیلات مالیه است ولی قبل از وقت یاره مطالب است که باید به عرض آقایان محترم برسجدنی قبل که آقای ارباب کیخسرو اظهار کسالت کردند شغل مباشرت را قبول نمی نمودند بعد از آنکه جمعی از آقایان و کلاه ایشان را ملاقات و مذاکره نمودند بالاخره بمناسبت این که ایشان همیشه حاضر برای خدمت نسبت بمجلس هستند حاضر شده اند در شغل سابق خودشان موافق میل مجلس برقرار باشند و معلوم است هیئت رئیسه از این تصمیم ایشان کمال تشکر و امتنان را دارد و بنده بطور حتم می دانم مجلس شورای ملی نیز نسبت بابان همین حقیقت را دارد (جمعی گفتند صحیح است) اعضای کمیسیونها هم بعضی کسر است که باید در موقع تنفی انتخاب شوند کمیسیون خارجه یک نفر کسر دارد که باید تعیین شود کمیسیون قوانین مالیه یک نفر کسر دارد و کمیسیون معارف هم دو نفر لازم دارد و چون آقایان مشیرالدوله و نصرت الدوله که برای کمیسیون عدلیه اخیر انتخاب شده اند بموجب نظامنامه در بیش از دو کمیسیون نمی توانند عضویت داشته باشند و در کمیسیون خارجه و کمیسیون بودجه عضویت دارند لهذا لازم است برای کمیسیون عدلیه دو نفر دیگر بجای ایشان انتخاب فرمایند حالا داخل در

مذاکرات می شویم اولاً شور در پروگرام هیئت دولت بحث در ماده ۷ است کسی اجازه نمی خواهد اظهاری نشد معلوم می شود در ماده ۷ مخالفی نیست گفته شد خیر

رئیس - شروع می کنم بداده هشتم آقای فہیم الملک

(اجازه نطق)

فہیم الملک - ماده هشتم پروگرام هیئت وزراء راجع است بوضع قانون استخدام و وضع قانون استخدام مسئله است که بنده شخصاً از ابتدای مشروطیت تا بحال آرزوی کردم و اگر در خاطر آقایان محترم باشد دوره دوم مجلس شورای ملی یک طرح قانونی راجع بطریق استخدام بمجلس پیشنهاد کردم شور اول هم بعمل آمده متأسفانه بواسطه پیش آمد و حوادث اخیر مجلس دوم شور دوم باقی ماند و تا بحال دیگر اقدامی نشد و اگر عرض کنم پیشرفت سایر مواد پروگرام هم بسته باین ماده است اغراق عرض نکردم و خیلی از آقایان رئیس الوزراء متشکرمی کنم زیرا این اولین دفعه است که هیئت دولت این مطلب را در جزء مواد پروگرام خود قرار داده معلوم می شود اهمیت موضوع بر هیئت دولت و عموم طبقات واضح شده است از وقتی که شروع بتشکیلات ادارات دولتی کردند در هر وزارتخانه یا اداره یک شعبه باسم پرسنل تشکیل شد اصلاً ایجاد پرسنل در هر جایی برای این بوده است که قوانین وضع شود و به موجب آن قوانین اشخاص صالح برای هر کار یا معلومات معین انتخاب شوند و میشد اعمال نیک و بد آنها یا خدمت و غیبت یا درجه شایستگی و لیاقت آنها در دفتر مخصوص ثبت شود بعبارت اخیری دفتر پرسنل تجلی سعادت و ترقی باتنزل مأمورین است که مأمورین هم بدانند که بدون عرض هزو و بروز دیانت ممکن نیست رتبه را حائز بشوند اما پرسنلی که در ادارات ما ایجاد شد عبارت بود از دفتری که درباره اشخاص بدون رعایت نظامنامه اداری و بدون رعایت استحقاق اشخاص فقط بعکم روسای مافوق در آن دفتر ثبت میشد این معنی پرسنل این مملکت بوده در این که از معایب ادارات مذاکره میشود آقایان علاج منحصر بفرد را مجازات مأمورین میدانند یعنی علت خرابی را عدم مجازات مأمورین تصور میکنند بنده بالاینکه مخالف نیستم و البته باید اشخاص مقصر یا اشخاصی که ازوظایف خود کوتاهی میکنند مجازات شوند ولی باین ترتیب مخالف هستم زیرا مأمورین را در مقابل خدمت بجه پاداش سرافراز میکنند که باید بمجازات تهدید شان بکنند مأمورین و مستخدمین دولت فعلاً چه امیدواری ثابت و اطمینانی بحسن خدمت دارند که بگویم از انصراف آن مجازات شوند مجازات مستخدمین یا مأمورین عبارت است از اخطار یا ملامت اداری یا کسر حقوق یا انفصال اما مأمورین ما که از روز اول که سرکار میروند مدعیهای مقام آنها نسبت بانها ملامت میکنند و فحش می دهند و از همان روز اول تنزل رتبه غیره درباره آنها معلوم است فقط چیزیکه کسر دارند یک سه پایه و شلاق است که روزی یک مرتبه هم آنها را شلاق بزنند و الا دیگر مجازاتی بنظر نمی آمد اول درجه مجازات عبارت است از محروم بودن از پاداش که باید بانها داده شود ولی مستخدمین که مقدرات آنها بسته به اموال و هوای روسای مافوق یا وزرای وقت است البته از آنها نمی توان انتظار اعمال نیکو و صحیح داشت مأموریکه در هر موقع انتظار انفصال خود را دارد و می دانند که چیزی در مقدرات او مؤثر خواهد بود جز خدمت و خیانت چه خواهد کرد؟ زیرا هیچ دیده نشده مأمور را برای خیانت مجازات و از کار خارج کنند بالاینکه در مقابل خدمت او ارتقاء مقام یا اضافه حقوق دهند برعکس این مطالب استخدام مأمورین همیشه تابع اصول اداری ملاحظات شخصی است که فطرت و اوضاع مستخدمین مؤثر است مثلاً وزارت خارجه سابقاً در بعضی نقاط کارگزاری داشت و در بعضی نقاط که بی اهمیت بود سرپرست بمقرستاد ازجه دورقاری ولی در ایامی که قشون روس آنجا آمد برای پاره ملاحظات شخصی اهمیت کارگزاری در سیم را بانها دادند و بعد از آن کم کم مقام کارگزاری درجه اول را بمأمور آنجا دادند مثل آذربایجان و خراسان و مقرری و مصارف آنجا را هم مثل همان نقاط میدادند خیلی باید تشکر کرد که حوادث اوضاع را تغییر داده والا شایعه ملاحظات شخصی ما را مجبور میکرد که در هراق سفیر کبیر داشته باشیم مأمورین یک حدود تکلیفی دارند که مطابق نظامنامه اداری باید رعایت کنند و تکلیف اداره این است که احدی را بدون حائز نبودن شرایط قانونی قبول نکنند و پس از دخول در خدمت برای رسیدن بمقامات عالی باز مطابق شرایطی که نظامنامه اداری تعیین میکند باید بروا مانده دیانت و لیاقت باشند و مطمئن هم باشد که خدمتشانش هیچوقت فکترم نخواهد ماند و هم چنین مطمئن باشد که اگر در ضمن خدمت فوت کند یا مبتلا بمرض بشود در هر حال دولت از بازماندگان او نگاهداری خواهد کرد حتی در سالخوردگی و پیری که دیگر نمی تواند کار کنند دولت او را نگاهداری خواهد کرد البته مأمورین که باین شرایط داخل در خدمت شوند و بدانند این شرایط درباره آنها رعایت خواهد شد حتی الامکان سعی می کنند از این شرایط معذور نمائند البته ممکن است در ضمن بعضی اشخاص کارهای بدی بکنند ولی آنها جنساً بنده نه مثل امروز که همه مأمورین ممکن است یک نسبت هائی باشند این برای این است که از روز اول در کار خود مطمئن نیستند البته باید اداره سعی کند که برای مأمورین خود کار براداری ترتیب دهد یعنی اینکه اگر بیست سال سی سال در اداره بماند اداره باید آنها را به مأمورین تازه کارهای مهم مختلف بفرستد برای هر گونه مأمورینهای مهم اجزای قابل لایق داشته باشد امروز اگر برای مأموریت خارجه چهار نفر سفیر بخواهیم تهیه کنیم شاید کمتر موفق شویم و شاید هیچ پیدا نکنیم زیرا مأمورینهای خارج برای یک اشخاص یعنی مونوپول شده که هیچ وقت از جای خود حرکت نمی کنند معتقد هستم باینکه من در اینجا راحت هستم اگر راحت خوب است برای دیگران هم خوب است چرا آنها نباید یک معنی بیابند